

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)

"هفته جنگ" را به هفته مبارزه در راه صلح تبدیل کنیم

این جنگ هستی سوز قربانها، فجایع و بلاهای بی شماری بوجود آورده است. شمار کشته شدگان هر دوسوی آتش جنگ به ۳۰۰ هزار تن و شمار معلولین به ۱/۵ میلیون نفر می رسد. شمار ایرانیان پناهنده عراقی هایی که از خانه و گاشانه خود در سراسر مرزهای آوار شده اند از رقم ۵ میلیون تن می گذرد و میزان خسارت مالی به صدها میلیارد دلار بالغ می شود.

در صفحه ۵

خط "امام خمینی" و خط مردم

پس از کسب رای اعتماد از مجلس و "شورای نگهبان"، موسوی و کابینه اش همراه بارییس جمهور خامنه ای به همان آن رفتند تا سخن آخر را بشنوند و رهنمودهای لازم را برای آیین دور از خدمتگزاران خود دریافت کنند. آیت الله خمینی در این دیدار بار دیگر بر پیام روشنش، جوهر بر بنیاد اقتصادی خویش را برای مسئولین اجرایی جمهوری اسلامی تشریح کرد و "شرط های رایگان کابینه" موسوی را با تعهد اجرای هر چه سریعتر آنها توانست رای اعتماد بگیرد. یک بیسک گوزد نمود.

آقای خمینی پیش از این دیدار که در تاریخ چهارم شهریورماه انجام شد، در دیدار دیگری با نخست وزیر - هیددم مرداد - جنبه های دیگری از مواضع سیاسی حکومت را جمع بندی کرده. همچنین در تاریخ یازدهم شهریور، و در رابطه با کاشاکشای تازه ای که پس از سخن ۴ شهریور ایشان در هیات حاکمه بها شد، "شورای نگهبان" را فراخواند و پیرامون شیوه "پیشبرد" خط مشی "ولایت فقیه" رهنمودهایی داد.

اگرچه "برنامه اقتصادی" و دیگر گفته های آقای خمینی تا زکی نداشتند و از مدت ها پیش به اجرا گذاشته شدند، با اینهمه بررسی مجدد مواضع ایشان برای زرفش آگاهی توده های زیرستم میهن ما همچنان ضرورت دارد.

خط اقتصادی "امام خمینی"

نکته مرکزی در سخنان چهارم شهریورماه آیت الله خمینی، تاکید مکرر بر آزادی تجارت و تامین منافع کلان تا جرآن است. چندانکه پیش از این به فتوای ایشان "شورای نگهبان" برگزیده و سرانجام حکم قانون اساسی جمهوری اسلامی برای دولتی کردن تجارت خارجی را رسماً از بنیاد تا آخرین کلمه آن رد کرد. در عوض لایحه "نحوه اجرای تجارت خارجی" را به تصویب رساند که همه و هرگونه غارتگری کلان تا جرآن را "قانونیت" بخشیده است. آیت الله خمینی و شورای نگهبان حکومت ایشان به پس از تصویب "لایحه جدید"، کوششهای گسترده ای برای "اجرای صحیح" آن سازمان دادند که رهنمودهای اخیر ایشان به دولت نیز کامی در همین راه است. وی در دیدار چهارم شهریور خطاب به مسئولین اجرایی می گوید:

بدون پشتیبانی مردم نمی شود پشتیبانی این است که همکاری کنند. همکاری این است که در تجارت همکاری کنند.

بنابراین:

"کارهایی که از بازار نمی آید و بسیار نامی تواند انجام دهد، این کارها را دولت انجام دهد، کارهایی را که از بازار نمی آید و بسیار نامی نگیرد، یعنی مشروع هم نیست.

آقای خمینی، خود به مفهوم حکم خویش کاملاً آگاه است و می داند که کلان تا جرآن "محرّم" بنا به همدستی انحصارات امپریالیستی، از صنایع مونتاژ تا سوزن خراطی را در چشم بهم زدند. به بازار وطنی سرازیری کردند و مرکز زمیندان تجارت کاری نیست که "از بازار نیاید" و بازار نتواند انجام دهد. پس ایشان برای تفهیم همین مطلب به دولت می گویند که فقط:

بقیه در صفحه ۲

روز جهانی صلح و پیشنهاد های اتحاد شوروی

دوم شهریورماه (اول سپتامبر)، در سراسر جهان روز جهانی صلح برگزار شد. چهل و پنج سال قبل در چنین روزی، مهاجمین هیتلری به سرزمین لیبستان یورش آوردند و جنگ دوم جهانی را آغاز نمودند. جنگی که در آن شهرها و مناطق وسیعی ویران شدند، خرابی های عظیم بار آورد و ۵۰ میلیون انسان قربانی آن گردید. آثار شوم فاجعه ای که امپریالیسم با فروختن شعله های آتش جنگ از زمین پدید آورد، تا سالیها سال همچنان بر زندگی ملل جهان سنگینی خواهد کرد. امروز بعد از گذشت ۴۵ سال، بار دیگر صلح جهانی

بقیه در صفحه ۹

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)

به مناسبت چهل و سومین

سالگرد تاسیس حزب توده ایران

در صفحه ۳

پیام سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثرت)

به مناسبت

آغاز سال تحصیلی جدید

در صفحه ۴

جنبش کارگری در راه پیشرفت

اعتماد کارگران کارخانه لوله سازی جاده ساوه در اعتراض به بخشنامه وزارت کار که در رابطه با افزایش مبلغ ناچیزی به حقوق کارگران و با هدف درهم شکستن اعتصابات آنان صادر شده بود. در جریان این اعتصاب کارکنان سرکوبگر رژیم، با تهدید اسلحه در مدد در هم شکستن آن برآمدند. در این اعتصاب ۲۷ کارگر اعتصابی دستگیر شدند.

در کارخانه کیان طایرو خودروسازان نیز، کارگران بخاطر کمی دستمزد دریافت عیبی دستی به اعتصاب دوروزه زدند. لاجوردی جلاد و یسن و همدستان او به اسلحه متصل شدند و آنها را تهدید کردند که "اگر اعتصاب ادامه یابد، همه را به گلوله می بندیم"؛ علی رغم این تهدید و ارباب مبارزه کارگران ادامه یافت.

در کارخانه جنرال صنعتی، به دنبال اعلام مدیریت کارخانه مبنی بر عدم پرداخت حقوق در ایام مرخصی سالیانه، کارگران دست به اعتصاب زدند. کارگران علاوه بر اعتراض به تصیم مدیریت، خواهان حق بهره وری کارمندان در جریان این اعتصاب به تهدیدهای نماینده لاجوردی و نه وعده و وعیدهای عوام فریبانه محبوب که به دعوت مدیریت از خانه کارگر آمده بود، کاری از پیش نبرد و اعتصاب در روز سوم به موفقیت رسید. در قطعنامه با پایانی اعتصاب اعلام شد که مدیریت لیست کارگرانی را به نام اخلاک گریه دیوار نصب کند که کارگران آنرا پاره خواهند کرد. همچنین در این قطعنامه کارگران خواهان تشکیل شوراهای شدند.

انعکاس وسیع مبارزه کارگران شرکت ساسان

در پی مبارزه قهرمانانه کارگران شرکت ساسان "کاناداری" که در رابطه با طرح طبقه بندی مشاغل و در اعتراض به مدیریت ضد کارگری کارخانه صورت گرفت و منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از کارگران مبارز گردید، رژیم همچنان به سیاست ارباب و تهدید و اعمال فشار به کارگران میزور توسط ارگانهای سرکوب ادامه میدهد.

اعتراض و اعتصاب کارگران شرکت ساسان که انعکاس وسیعی در بین کارگران کارخانجات دیگر یافته همدردی آنها را برانگیخت کارگران کارخانجات مجاور و خشکساری رژیم را در سرکوب خواست عادلانه کارگران کاناداری محکوم کردند. ارگانهای سرکوب سعی دارند تا از انعکاس باز هم بیشتر اخبار مبارزات کارگران شرکت ساسان جلوگیری کنند. این اقدامات در حالی صورت میگیرد که حکومت نا دهها اعتراض بقیه در صفحه ۹

زندگی بر کارگران و زحمتکشان میهن ما هر روز سخت تر می شود. فقر، بیکاری، بی خانمانی، گران روز افزون و فساد بی سابقه در حکومت کارگران را در تنگنا می افزیند. قرار می دهد. سرکوب سخن آزادیهای فردی و اجتماعی و هر حرکت ترقیخواهانه مردمی، همچنان فاجعه می آفریند. اینک جنبه های راه در مقابل زحمتکشان میهن ما قرار دارد: مبارزه متفکر، متحد و همه جانبه با ارتجاع حاکم.

کارگران میهن ما که در پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن نقش تعیین کننده داشتند، مجدداً خود را در مقابل همان وضعیت تکلیت با ری می بینند که برای نابودی آن انقلاب کردند. این وضعیت، کارگران و زحمتکشان را به گسترش مبارزه در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و ملیه حکومت فراموشی، نگاه کوتاه به رویدادهای اخیر کارگری، بیانگران است که مبارزه کارگران در شرایط کنونی، هم دارای مضمونی مطالباتی - منفی وهم دارای جنبه سیاسی است و نسبت به سال گذشته چه به لحاظ تعداد اعتصابات - بیش از همه امورد درش ما را غیر بیه دلیل تعداد کارگران شرکت کننده در اعتراضات و اعتصابات وجه به لحاظ اشکال مبارزه و کیفیت خواستهای مطرح شده، ارزش بیشتری برخوردار است.

برخورداریست. افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار (کاهش ساعت کار، بیمه، پاداش افزایش تولید و بهره وری کار...)، دستیابی به قانون کار مترقی، طبقه بندی مشاغل، حق تشکلی و انتخاب نماینده، مسکن، مبارزه با اخراج، مبارزه با فساد اداری و بویژه استقرار صلح، خواستهای جنبش کارگری ایران است.

مبارزه در راه افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار عمومی ترین خواست توده کارگران است. در حالی که طی چهار سال گذشته دستمزد کارگران و زحمتکشان ثابت مانده، در نتیجه اعمال سیاستهای ارتجاعی حکومت در عرصه های اقتصادی و اجتماعی، گرانی سرام آوری به کارگران و زحمتکشان تحمیل شده است. در چند ماهه اخیر، برای دستیابی به دستمزد عادلانه و بهبود شرایط کار، اعتراضات و اعتصابات پر شماری صورت گرفته است. از جمله مهمترین آنها:

رژیم حاکم

و سرنوشت قانون اساسی

در صفحه ۶

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می خواهند

خط "امام خمینی" و خط مردم

خط "امام خمینی" و خط مردم ... باید یک نظارتی بکنید، مبادا یک وقت کالایی بپاوردند که مخالف اسلام است، مخالف اصول

مجلس جمهوری اسلامی است. می بینیم که حتی سخن از این نیست که در چارچوب نظام سرمایه داری موجود، بخش دولتی جایی در تجارت داشته باشد. سخن از این است که ما ۵۰ سال پیش اروپا را متذکرمانی که هنوز سرمایه داری صنعتی پدید نیامده بود، همه میدان به تجارت سپرده شود و اینان به بدوی ترین شکل ممکن، برهمنی مردم چیره گردند. سخن بزرگ این است که دولت فقط بر تجارت "یک نظارتی" داشته باشد، آنهم برای اینکه مبادا "کالایی مخالف اسلام و جمهوری اسلامی" بپاوردند! این کالاهای "ممنوعه" کدامند؟ تا امروز روشن شده که نه تبلیغات فریبی، نه کالاهای مصرفی غربی، نه قطعات ماشین آلات مونتاژی، نه محصولات خوراکی و پوشاکی روزبیتی غرب از این زمره نیستند. غرب می تواند از سون خیاطی تا "بمب اتمی" صادر کند. پس چه می ماند؟ همه از چیزهایی که به کمک آنها تجارت بتواند اسلامی بودن جمهوری را اثبات کند، یعنی: مشروبات الکلی، گوشت خوک، ماهی بی پولک، کنسرو خرنجنگ، کتلت، شنگ و چند قلم دیگری از این دست! "تجار محتتم" خود حاضرند و از آن دلیل بیاورند که "استگسی اقتصادی کشور" در نتیجه ورود همین کالاهای سوده است و لا غیر!

رهنمود: های آیت الله خمینی در زمینه تجارت خارجی، کلمه به کلمه با اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، که ایشان در آن هیچ چیز خلاف شرعی ندیده بودند و کثیری از "فقهایی" مورد اعتماد و برگزیده ایشان آنرا موا و تایید کردند، متضاد است. در اصل ۴۴ اعلام شد: "نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه به بخش دولتی، تعاونی و خصوصی" بنا برنام ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری و ... است."

در اصل ۴۴ نه تنها کلیه "بازرگانی خارجی" دولتی اعلام شده، بلکه جای بخش خصوصی در مجموع اقتصاد کشور، درست متضاد با آنچه رهبران جمهوری اسلامی می گویند، به روشنی مشخص شده است: "بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشتاورزی، دامداری، صنعت، تجارت، خدمات می شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است."

خط اقتصادی "امام" خمینی علاوه بر بخش تجارت، در دیگر عرصه های بنیادین اقتصاد نیز نقش بخش دولتی را به سود سرمایه داران زمینداران بزرگ، تا سرحد ممکن کاهش می دهد و تا هراه غارتگری را به روی بهره کسان تمام پهنای می کند. وی می گویند: "کشاورزی را که دولت نمی تواند بکند، تجارت هم همینطور، صنعت هم همینجور است."

بنابراین، اگر اینطور عمل شود (یعنی دست سرمایه داران و زمینداران بزرگ برای هرجی و ولی مطلقا باز باشد)، همه سرمایه هایی که ممکن است نیاروده باشند و از دست می رود در بازار هم دریا نکند... وهم اشخاصی که خیال می کنند جمهوری اسلامی خواهد برای مردم کاری کند (می فهمند که) می خواهد کاری کند، (و هم سرانجام) اشخاصی که در خارج هستند، (غارتگران آریامهری و فراریان از جنگ مردم) و تبلیغات خارجی این بیچاره ها را ترساند، برمی گردند!

ایشان مدتها پیش از این، هنگامیکه هنوز بحث بر سر "اطلاعات ارضی جریان داشت، به مجلس دستور دادند که: "سایلراطوری مطرح کنیید، سایلراطوری رای بسپارید که در شورای نگهبان رد نشود. (۵ بهمن ۶۱). بدینگونه مجلس منع شد که باریگری مویب ای در زمینه اطلاعات ارضی رای به دهد. مویب از آماج های بنیادین انقلاب، رسماً پایمال گشت و بزرگ مالکی دیگر بار "متروع" و "قانونی" اعلام شد. ایشان قبل از آن فرمان، فرمان ۸ ماده ای "را صادر کردند، که تکیه گاه جدیدی برای تهاجم کلان تاجران شده و باز خیزی بیشتر از آن تهاجم علیه نیروهای انقلابی را آغاز کرد و تا حد کمرداری نمایندگان طبقه کارگر و سروسازان، توده های رنجبر مردم بیباخته را خاموش سازند و آنها را از عرصه بیچاره ردر راه آماج های انقلاب بیرون برانند.

مطلب همین خط "امام" خمینی "حکومت به زور برتری به گرفتن زمینهای دهقانان محروم و انتقال آنها به بزرگ مالکان بازرسیسی دادن کارخانه های ملی شده به کلان سرمایه داران، بیرون ریختن مردم بی سکن از ساختمانهای مسافره ای و باز پس دادن این ساختمانها به زمین خواران و غارتگران آریامهری و تا بود کردن همه حقوق

کارگران و مسلط کردن لگام گسیخته بهره کسان برهمنی آنها مشغول است. این تلاشها با تکیه بر سر نیزه و سرکوب، همچنان شتاب و شدت بیشتری می یابند.

"مردم" یعنی کلان تاجران! آقای خمینی "به طبع جمهوری اسلامی" می دانند که حتما کلمه "مردم" را در سخنانشان خویش بکنجاندند. ایشان می گویند تا با تکرار و ام این "کلمه"، بین سخنان امروز خود و آنچه در گرامر انقلاب بهمین گفتند، در ظاهربا هدف تعدیل خشم و اعتراض بوده ها، مشابهتی پدید آورند. اما علیرغم این ظاهربا راییسی وی در "رهنمود" ما و گفتار خویش، بطور مکرر و روشن می سازد که منظور از "مردم" همان کلان تاجران و خداوندان سرمایه و ثروت است. می گویند: "دولت بدون پشتیبانی مردم نمی تواند کاری انجام دهد و چنین جمعیتی را باید در محنت نگاه داشت." آنگاه بیدرنگ می افزاید: "ایسین نگهداری چنین است که شما با زار نگهدارید، بازار را شریک بیدرکارها!" می گویند: "آزادی مردم نباید خلع شود" و نتیجه می گیرند: "کارهایی را که از بازاری آید پوشش را نگیرید." این سخنان را ایشان مدتها پیش از این گفته اند و امروز فقط تکرار می شود. از جمله تهاجندی قبل از تهاجم رژیم به حزب توده ایران در دیدار با مجلسیان (۵ مهر ۶۱) گفتند: "دولت همان سیزم مردم را سیر کند" یعنی "هرچه از بازارگانان شما و چه از دیگر مردمان (؟) اگر دولت کاری بکنند که اینها را یک وقتی تاراج کند، مثلاً ارضیات بکنند، مالیات بپاوردند، یا جرم برای تاخیر مالیات تعیین کند" بازارگانان شما را برده اند، بدانند که فاتحه همه خوانده شد! ایشان پیش از آنهم این مطلب را به روشنی گفته بودند.

آن زمان که هنوز انش انقلاب بهمین شعلیه ور بود، خمینی مدام وعده های رنگارنگش را به درخوش سخنان "و با برهنه ها" تکرار می کرد. وی آن زمان می گفت: "کارگران ستون انقلابند و شما مالکیت دهقانان دستهای پینه بسته که آنهاست، می گفت" این کوخ نشینان بودند که انقلاب کردند و "کاخ نشینها جز خاکباری نکردند." می گفت: "من خودم از نظم وستم خوابانیدن و فکودالها اطلاع دارم که چگونه مردم فقیر را به زور به کار می گرفتند و حکم صادر می کردند؛ این ترسهای بزرگ چطور انباشته شده است؟ من احتمال این را که اینها حقوق شرعی خود را بردارند بدهم، حتی در مورد یک نفرشان هم نمی دهم. در مواردی اگر تمام موالیان هم گرفته شود، باز با حقوق شرعی بدهکارند." اما این وعده ها فقط وعده ماند.

هنگامیکه تهاجم علیه آماج های انقلاب بهمین از برده بردارنده، آقای خمینی روشن کردند که اصلا منظور از "مردم" همین تاجرو دارندگان سرمایه ها و زمینهای بزرگ است، "استوانه انقلاب" همین "طبقه هستند، "سپهاسای پینه بسته" و "اسناد برحق مالکیت" هر دو از آن همین هاست و جمهوری اسلامی برای تامین آزادی و "حقوق مشروع" ایشان است.

"مردم از آقا" می پرسند که "وعده های شما چه شد؟ چرا دیروز نظوری گفتید و امروز اینطور؟" ایشان با رخساری پرده اعلام کردند: "اگر قبلاً اشتباه کرده باشیم باید صریحاً بگوییم اشتباه کردیم. عدول در زمین فقها از فتوایی به فتوای دیگر، درست همین معنی ساز دارد. این معنای درگم من بگویم چون سبب زور خیزی زدم باید در وی همان حرف باقی بماند!"

"وحدت کلمه" و "یدوا حده" در برابر مردم آیت الله خمینی، هم در دیدار با موسوی واعضای کابینه وی در چهارم شهریورماه، هم در دیدار هیجدهم مرداد با نخست وزیر و اردبیلی و هم در دیدار با زدهم شهریور با اعضا شورای نگهبان، به موازات جمع بندی مجدد خط اقتصادی خود، "لزوم وحدت کلمه" و وحدت عمل دسته بندیهای درون هیات حاکمه را در برابر مردم و "اجانب" جابه جا کردند. سیاست خمینی برای متحسد کردن دسته بندیهای هیات حاکمه، بر پایه تا میان منافع تجار و سرمایه داران و زمینداران بزرگ و "حفاظت از ولایات فقیه"، بخش برجسته و بسیار مهمی" از خط ایشان است. وی به خویشی از مخالفت و مبارزه مردم علیه حکومت آگاه است، از اینرو پیش از پیش دسته بندیهای هیات حاکمه را هشدار می دهد که: "باید همه احساس خطر بکنند و برای جمهوری اسلامی، وهمه احساس خطر بکنند." امروز اگر خدا نخواست خطایی وارد شود در این جمهوری اسلامی، نمی دانید که با ما چه خواهد کرد. (۱۸ مرداد)، وی خطاب به هیات حاکمه می گویند: "شما همه یک قصد دارید: پس "چه علمای بلاد ایران، چه ائمه سنی و جماعات وجه مجلسیان و دولت مردان، اینها همه دسته دسته می دهند و "یدوا حده" برای "حفظ حکومت اسلام" با شد.

ایشان هنگامیکه که بر لزوم "یدوا حده" رژیم تakedمی گنند به ویژه "بمدلح ولایت فقیه، یعنی ارتش و سپاه و دیگر دسته های مسلح را پیش از همه مورد نظر دارند:

رهبری جمهوری اسلامی بخوبی می دانند هنگامیکه مردم علیه آنند، جز بر سر نیزه و سپاه نمی تواند تکیه کند. همچنین می دانند که شرکت ارتش و سپاهیان در زندگی سیاسی کشور، جز با اندیشه های ترقیخواهانه و انقلابی را در میان آنان گسترش می دهد، متابعت کورکورانه را تهدید می کند و می سازد، آیت الله خمینی با توجه به همین "خطرات" می گویند:

آنکه خیلی خطرناک است آن است که اختلاف متعین شود در سپاه و ارتش "اگرچه با سیاسی و مناقشات سیاسی در سپاه رفت و در ارتش رفت باید فاتحه این سپاه و ارتش را بخوانیم "بر این پایه فرمان می دهد:

"برای سپاه می ها جایز نیست که وارد شوند و دسته بندی "برای ارتش جایز نیست چرا که آنها را "از آن تعهدی که بعهد آنهاست بازمی دارد." تلاشهای آقای خمینی برای قدر قدرت و انمودن حکومت خود و جلوگیری از تارتاب کثافات جدید درون هیات حاکمه و ایجاد توهم درباره "قدرت و وحدت" حکومت در ذهن توده ها، در رویارویی با تافتهای همه سوبه ای که رژیم را فرا گرفته، بی نتیجه می ماند. تنش شدیدی که در پیسی رهنمود های ایشان به دولت موسوی و علیرغم توصیه های مکرر همزمان وی برای جلوگیری از کشاکش نهادها و مسئولین، هیات حاکمه را فاسد گرفت، نمودار بارز این مساله است.

یک روز پس از سخنرانی چهارم شهریور آیت الله خمینی، جعفری وزیر بازرگانی با هیات هوا اعلام کرد: "دینپنکی از آن شباهایی بود که ما راحت خوابیدیم!"

موسوی نخست وزیر نیز بیدرنگ، بخشنامه ای صادر کرد و اجرای هر چه فوری تر آخرین رهنمود "هما را در دستور قرار داد.

"اما" شورای نگهبان "افزون بر این در مقابل رقیبان" بدساقه در دو کده گذشته "عدالت اسلامی" و رد زیان شان بود، به جمع بندی نتیجه گیریهای خمینی از "رهنمودهای امام" مشغول شد. اما می گاشانی، سنگوی، شورای نگهبان "در گفتگویی با خبرنگار "صدای جمهوری اسلامی (۶ شهریور) گفت:

"شورای نگهبان از اوایل سال ۶۱ تاکنون این مشکل را در مورد لایحه بازرگانی خارجی داشت و سه بار هم جواب مجلس شورای اسلامی را داده که این صورت بازرگانی خارجی با موازین اسلامی منطبق نیست، وی در ادامه سخنانش، مواضع شورای نگهبان را که همان مواضع آیت الله خمینی است، تشریح کرد. اصل ۴۴ را با دیگر آیین دینسی کرد و مواضع نظریات "شورای نگهبان" را مورد حمله قرار داد و نظرات "عامی" خواند، او گفت: "برخی خیال می کنند مالک ارز، دولت است و به هر کس بخواهد از می دهد یا نمی دهد، این نظیر عامیانه است. دولت زر را باید بر اساس مصالح جامعه تقسیم کند."

هاشمی رفسنجانی سنگوی رژیم نیز در پیسی گفتار امامی گاشانی تشخیص داد که برای نوسازی نشاندهی غافل و در عین حال نجات سوابق خود از معرض انتقاری شورای نگهبان با بدبکاری کند. بین در نماز جمع ۱۷ شهریور گفت:

اینطور نیست که شما فکر کنید که دولت می تواند از این ارز که در اختیارش است بهره کس بدهد که جنس بیارود... چنین چیزی نه منطقی است و نه ممکن، بعد از مرداد، او پس از این "انتقادات" در برابر مردم و به سود منافع مشترک به تعلق از "شورای نگهبان" مشغول شد. "شما اگر می بینید گاهی در اینگونه مسایل بین مجلس و شورای نگهبان با گویا بعضی از علما اختلاف نظری شود، اختلاف نظر در اینجا نیست که سرمایه داری تقویت شود... من یقین دارم، قسم می خورم که شورای نگهبان افرادش، حقوقدانهای علمایان، همه شان متفقاً برای خیر ملت نظر می دهند... آقای خمینی خود پس از هیات هوی که برپا شد، "فقها و معوقدانان شورای نگهبان" را فرا خواند و به آنها توصیه کرد که "رفتار شما باستی بصورتی باشد که انتزاع نشود که شما در مقابل مجلس و دولت ایستاد، آید. اینکه شما یکی و مجلس یکی، شما یکی و دولت یکی است، ضربه می زند (یازدهم شهریور).

آقای خمینی خوب می دانند که وقتی "شورای نگهبان" برگزیده ایشان به "افشا" سوابق امثال رفسنجانی موسوی نخست وزیر می پردازد، پای وی نیز در میان است، چون این اشخاص در گذشته وعده های ایشان را تبلیغ و تفسیر می کردند، همانگونه که امروز مجری او را هستند، وی اگر چه بقیه در صفحه ۸

پيام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت چهل و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

رفقای عزیز!

چهل و سومین سال تأسیس حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را از صمیم قلب به شما تبریک می‌گوئیم. سالگرد تأسیس حزب پر افتخار شما، زمانی فرا می‌رسد که علیرغم کین خواهی و دهنده‌نشی امپریالیسم و ارتجاع، حزب توده‌اشی شما دوباره استحکام خود را باز یافته و در فضای خورگ‌آوردن اهتزاز است. در حالیکه ارتجاع و عوامل امپریالیسم با رذیله‌ترین شیوه‌ها از زندان و شکنجه و اعدام، تا دروغ و تیرنگ بر حزب توده ایران می‌تازند و خیال خنام نابودی آنرا در سر می‌پرورانند، حزب، استوار به پیش می‌رود و دشمنان مردم را سرفراکنده و ناکام می‌سازد.

رفقای گرامی! تاریخ نیم قرن اخیر ایران گواه ایستادگی و فعالیت است که حزب توده ایران، پرچمدار مبارزات انقلابی توده‌های زحمتکش مبارز راستین راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بوده است. حزب توده ایران همواره پیشاپیش مبارزات، پیر نشیب و فراز مردم میهن ما، برای کسب آزادی سیاسی قرار داشته و علیه استبداد و اختناق، پیگیری‌ها مبارزه کرده است. دشمنان مردم ایران، امپریالیستها، کلان سرمایه‌داران و وزیرک مالکان برای چپاول و غارت مردم و اجرای اهداف پلید خود پیوسته با مقابله و مبارزه حزب توده ایران مواجه بوده‌اند. حزب در موارد بسیاری یک تنه در مقابل آنها ایستاد، اعدام، زندان، شکنجه و توطئه‌های رذیله‌گونگوان، هیچگاه حزب توده ایران را از پیگیری آرمان مقدسش، یعنی تأمین سعادت و بهرورزی زحمتکشان و ترقی و پیشرفت ایران باز نداشته است و این خود خشم و کینه دشمنان مردم را برانگیخته و حزب توده ایران را به آماج مقدم توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع، برای سرکوب مبارزات مردم میهن ما مبدل ساخته است.

اصلیت حزب توده ایران، پایبندی خدشه ناپذیر آن به مارکسیسم - لنینیسم و خطت عمیقاً انترناسیونالیستی آن، سرمایه‌داران و چپا و لگران را خشمگین می‌کند. آنان کینه می‌بینند حزب توده ایران مبارز پیگیر در راه طبقه کارگر و تأمین همبستگی کارگران میهن با کارگران سراسر جهان است، آنان کینه میدانید اعتقاد عمیق و پایبندی حزب توده ایران به انترناسیونالیسم پرولتری ازویژگیهای ارزشمند آنست، این خطت ارزنده حزب را آماج حملات خود قرار میدهند.

حکام جمهوری اسلامی که به انقلاب مردم و آماجهای آن، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خیانت کرده‌اند، از شعله‌ور شدن خشم توده‌ها در هراند. اقدامات آنان برای تأمین و تضمین منافع کلان تجران و سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و سیاستهای استقلال بر باد ده ارتجاع حاکم، روز بروز ماهیت آنها را برای گروههای بیشتری

از مردم آشکار می‌سازد. اعتراضات کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار و گروههای مردم روزافزون است رژیم که آیدنده خود را تیر و تار می‌بیند با خشونت و دهنده‌نشی به سرکوب نیروهای انقلابی و مبین‌پرست و مدافع مردم میپردازد. انقلابیون و مبارزین گروه گروه مخفیانه اعدام میشوند، آنها زیر شدیدترین فشارها و شکنجه‌ها قرار می‌گیرند و رذیله‌ترین نقشه‌ها برای یکنواخت ساختن آنان سازمان می‌یابد. اما واقعیات دوساله اخیر نشان داد که رژیم علیرغم همه تلاشهای مذبحخانه خود قادر نشده مضموم‌ها را در هم شکنند. حزب توده ایران با وجود همه فشارها و توطئه‌ها وظایف انقلابی خود را همچنان به پیش می‌برد و دشمنان امپریالیسم و ارتجاع را یک به یک خنثی می‌سازد.

تشکیل بلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران، در زمانی که ارتجاع حاکم رذیله‌ترین روشها را برای نابودی و محو حزب توده ایران بکار گرفته است نقشه‌های آن را نقش بر آب ساخت و همه دوستداران حزب را شامان کرد. بلنوم نشان داد که حزب توده ایران که از چشم جوشان مردم سیراب میشود، نابود شدنی نیست. بلنوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران که مقام مبنی را در تاریخ ۴۳ ساله حزب به خود اختصاص داده است، موفق شد، ارگانهای رهبری حزب را در یکی از حساس‌ترین مقاطع حیات آن بازسازی کند و صفوف نیروهای حزب را حول رهبری آن تحکیم بخشد. انتشار "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران نیز، گام دیگری در راه خنثی کردن توطئه‌های ارتجاع حاکم بود. تمام تلاش ارتجاع این بود که صدای حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان میهن ما نرسد، انتشار مجدد "مردم" این نقشه را خنثی ساخت "مردم" دوباره وظیفه انقلابی در افشای دشمنان مردم و آگاهسازی و سازماندهی توده‌ها را از سر گرفت. "مردم" همچون راهگشای آشنا، با صلاحیت و با تجربه در شرایط حساس کنونی برای کارگران و زحمتکشان میهنمان راه‌نمایی ارزشمند است. اینها نمونه موفقیت‌های حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران در مبارزه علیه ارتجاع حاکم و توطئه‌های امپریالیسم در چهل و سومین سال حیات افتخار آفرین آنست.

در شرایط حساس کنونی، اتحاد نیروهای انقلابی، دموکراتیک و فدا میربالیست در جبهه متحد خلق برای رهائی مردم ایران از قید و بند ارتجاع حاکم، موفقیت بازم بیشتری یافته است. ارتجاع کوشش می‌کند صفوف نیروهای انقلابی، دموکراتیک و فدا میربالیست را دچار تفرقه‌سازد و بی اعتمادی را در میان آنها دامن زند، بر این اساس مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران در راه وحدت طبقه کارگر ایران بعنوان سنگ بنا و حسب‌الاساس اتحاد همه اقشار خلق از اهمیت جدی برخوردار است.

سازمان ما بار دیگر اعلام میدارد که با تمام توان خویش در راه گسترش همکاریهای برادرانه با حزب توده ایران و حفظ و تحکیم وحدت فکری و سیاسی میان دو سازمان و گسترش آن به سطح وحدتی همه جانبه گام برمی‌دارد. هیچ نیرویی قادر نیست در اراده ما برای تحقق این خواست دیرین طبقه کارگر خلل ایجاد کند.

رفقای عزیز! امپریالیتم و ارتجاع با حملات دهنده‌نشان به حزب توده ایران و با تبلیغاتی کثیف تلاش دارند توده‌ها را نسبت به آرمانهای انسانی و شریف ما بدبین کنند. آنها می‌گویند تا در پناه کارزار خائنه کمونیسم سوسیالیسم و شوروی‌ستیزی، راه را برای پیشبرد اهداف پلید خویش هموار سازند. در چنین شرایطی ایستادگی همه نیروهای انقلابی در مقابل این توطئه‌های رذیله‌ها و دفاع از حزب توده ایران، که آماج اصلی این حملات است، وظیفه‌ای انقلابی و مردمی است. سازمان ما به این وظیفه انقلابی پایبند است و دفاع قاطع از حزب توده ایران را پیگیرانه ادامه خواهد داد. نیروهای انقلابی و مبین‌پرست، نباید دست در دست هم، علیه خودسرپها و جناسات بسابقه ارتجاع حاکم بیا خیزند و برای رهنا ساختن مردم در بند میهنمان از جنگ استبداد و ظلم و محرومیت‌های ارتجاع حاکم برقرار ساخته است در صفی متحد مبارزه را گسترش دهند. ما اطمینان داریم که حزب توده ایران این بار نیز بان گذشته بر مشکلات فائق خواهد آمد. دستاوردهای حزب طی مدت کوتاهی که از ضربات اخیر گذشته است خود گواه بارز این امر است. حزب توده ایران مولود ضروریات جامعه ماست تا مبارزه توده‌ها علیه اختناق استثمار و محرومیت جریان دارد، حزب توده ایران نیز وجود خواهد داشت. تا کارگران و زحمتکشان میهن ما علیه امپریالیسم، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان در مبارزه و ستیزند، حزب توده‌ها نیز زنده است. حزب توده ایران به طبقه کارگر و توده‌های ملیونی تعلق دارد. پرچم حزب درفش پیکار آنهاست و درخت تنومند حزب از دریای خروشان رزم توده‌ها سیراب میشود. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بار دیگر چهل و سومین سال حیات مبارز ارتجاع حزب توده ایران را به کمیته مرکزی و همه، رفقای توده‌ای شادباش میگوید و موفقیت روزافزون شما رفقای عزیز را در انجام وظایف انقلابستان آرزو می‌کند.

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مهرماه ۱۳۴۳

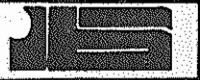
- در صورتیکه نشریات فوی را در حد توان پخش خود از تشکیلات دریافت نمی‌کنید در صورتیکه نشریات برای پدید، بویژه در شهرستانها اگر نشریات ارگانال تشکیلات دیرینه دستتان می‌رسد یا نمی‌رسد، به محض اینکه نمونه نشریات به دستتان رسید، برای تکثیر و توزیع آنها اقدام کنید.
- تهیه و تکثیر تراکتها و نوشتن شعارها را مکرراً و برای چندین ماه ادامه دهید.
- رهنمود به اعضا و هواداران شما که به هر دلیل ارتباط آنها با سازمان قطع می‌شود:
- ادامه فعالیت انقلابی را موقوف به وصل ارتباط با سازمان نکنید.
- به همراه رفقای که کار می‌کرده‌اید یا رفقای که می‌شناسید در گروههای کوچک به فعالیت خود ادامه دهید.
- تهیه و تکثیر و توزیع نشریات سازمان را جزو وظایف خود قرار دهید.
- از برقراری ارتباط با اقدام با گروهها خودداری کنید.
- برای برقراری ارتباط با سازمان اقدام کنید. بدین منظور می‌توانید از طریق مراکز ارتباطی سازمان در خارج از کشور هم اقدام نمایید.
- نظرات، پیشنهادات، اخبار و گزارشهای مفید خود را به هر طریق ممکن برای نشریه کار یا اکثریت ارسال کنید.
- انقلاب ضرورتاً راه خود را از میان دشواریها بازمی‌کند. شرط خروشان و جوشنده‌ای که به سوی دریای آزادی می‌شتابد قادر است صخره‌هایی بس عظیم ترا از آنچه که امروز ارتجاع ایران فرا رویش قرار می‌دهد را از جا برکنند. رزم فداکارانه و بی‌وقفه ما با این تاریکیهایی که می‌خواهند بر فراز کشورمان بال گسترانند بی تردید به زان و سبزه‌زاران را از آن ما خواهد ساخت.
- شعبه مرکزی تشکیلات - شعبه مرکزی تبلیغات

رهنمود به اعضاء و هواداران

رفقای عزیز!

- در شرایط امروز که ارتجاع حاکم می‌کوشد همه راههای مبارزه را بر روی ما ببندد و مانع از آن شود که توده‌های خلق سنگرو واقعی و راستین خود را باز یابند و بشناسند، وظیفه ماست که با جدیت و کوشش هر چه بیشتر این سیاست ضد مردمی را با شکست مواجه سازیم.
- در جهت درم شکستن این توطئه و سیاست ضد مردمی رژیم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کار بستن رهنمودهای ذیل را که در کار شماره ۴ نیز درج شده است، مورد تاکید قرار می‌دهد:
- پخش تراکت را با استفاده از همه امکانات و به هر بکتاری که در اختیار دارید سطح شهر گسترش دهید.
- شعارهای سازمان را به هر وسیله ممکن، در محل‌های مناسب روی دیوارها بچسبید. آنها را به صورت تراکت هم تهیه و تکثیر و پخش کنید و یا روی دیوارها بچسبید.
- در پخش تراکت و شعار رنویسی از فضای فدائیان خلق - اکثریت بسا فداقیان - اکثریت استفاده کنید.
- اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های سازمان و همچنین مقالات مهم نشریه کار را به هر طریق که برایتان امکان پذیر است، تکثیر و آنها را وسیعاً پخش کنید. در محافل، کافه‌ها و در محافل و در نقاط تردد مردم بپخش کنید، خانه‌ها بپنجه زید، پست کنید.
- در صورت داشتن امکان، نشریه کار را تکثیر و از طریق سنجیده آن را توزیع کنید.

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی



یام سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

اکنون سال تحصیلی جدید فرا رسیده است و شما که قلبتان آکنده از آرزوی تحصیل و دانش اندوزی و ایفای نقش سازنده در زندگی اجتماعی و سیاسی میهن است، راهی مدارس و دانشگاه‌ها می شوید. آینده میهن ما به عزم و رزم و کار سازنده شما وابسته است و شما با همه شور و توان به سوی آینده‌ای که با آرمان‌ها و آرزوهای نیک‌تان آراسته می شود، پیش میروید. سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)، فرارسیدن سال جدید تحصیلی را به همه شما عبادش می گوید و اطمینان دارد در پرتو عزم و رزم همه ما، آینده مطابق آرمان‌های والايمان بنا خواهد شد.

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

ششمین سال تحصیلی پس از انقلاب، در شرایطی آغاز می شود که میهن ما دورانی بس تیره و دشوار را می گذراند. رهبران جمهوری اسلامی انقلاب بهمین راه شکست کشاننده دستاوردهای عظیم مبارزه مردم را نابود کردند و با ردیگر حکومت بهره کمان و دستمکران را دایر کردند. حکومت جمهوری اسلامی با کوشدن درهای ایران به سوی امپریالیستهای جهان خوار زمین ما را شتابان به سوی تحکیم و استکباری هم جانب به امپریالیستهای می کشاند. ارتجاع حاکم با ادامه جنگ ویرانگر، هر روز جنایات تازه ای می آفریند. کشتار هزاران جوان و نوجوان و کودک ایرانی در میدانهای جنگ و دیگر پیمانهای وحشتناک آن، خشم و نفرت بیکران مردم را شعله و ساخته است. سران جمهوری اسلامی با تنها جانتان را هزنانه و فاشیستی می کوشند از حزب سازمان‌های انقلابی و میهن پرست را نابود و مقاومت توده ها را درهم بکنند. آنان خفقان و اغتشاق خوین بویسا بقه ای را به کشور ما تحمیل کرده اند.

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

رهبران جمهوری اسلامی، در هر اس از ترقی خواهی و آزاداندیشی مردم ورشد جنبش انقلابی از همان روزهای نخست پس از پیروزی انقلاب به تسادارک و اجرای ارتجاعی ترین اقدامات در مدارس و دانشگاه‌ها پرداختند. هزاران تن از معلمین و استادان با سواد و مردمی و مترقی از محیط های آموزشی اخراج و بسیاری از آنها به زندان و اعدام محکوم شدند. دهها هزار تن از دانش آموزان و دانشجویان مبارزان انقلابی، تنها به جسم عقاید و مواضع انقلابی و حتی خواندن اعلامیه و روزنامه، زندان و شکنجه و اعدام شده اند. تنها به بربر-منشانه، زیر علم باصطلاح "انقلاب فرهنگی" به دانشگاه‌ها، و جنایاتی که در این راستا صورت گرفته در تاریخ کشور مابقی نظیر است. تفتیش عقاید و اختناق فاشیستی در مدارس و محروم دانشگاه‌ها، به و فتنه تریب و خجسته حقوق اولیه انسانی را کمدال می کند. خیرچینی مزدوران و عناصر مخ شده "انجمن های اسلامی" وسیله اخراج، زندان و حتی اعدام جوانان قرار گرفته است. کنگور چند مرحله ای تمهیدات پلیسی گوناگونی صورت می گیردتا تنها کسانیکه وابسته به حکومت و خواستار جاسوسی برای آن هستند، به دانشگاه وارد شوند.

ما همه این تشبیهات نتوانسته و نمیتواند مانع حضور و نضج اندیشه، انقلابی در دانشگاه‌ها گردد. در دانشگاه هست، اندیشه، انقلابی و مبارزه خواهد بود. نظارت شبانه روزی و جنایات اهریمنی در خیما ن اوبس، سلطه، انجمن فدائیان در "حجتیه" و فعالیت جاسوسی، انجمن فدائیان در مدارس و دانشگاه‌ها قادر نبوده و نخواهد بود انقلابیون و مبارزین را خفه سازد. از نظر رژیم دانش آموزان و دانشجویان حق ندارند برای ابتدائی ترین خواسته های صنفی خود مبارزه کنند، هرگونه شکل فعالیت مستقل در مدارس و دانشگاه‌ها و هرگونه فعالیت فوق برنامه ای از صورت میبسی، هنری، فرهنگی، ورزشی و... ممنوع است، مگر اینکه توسط انجمنهای اسلامی و یا سیاستهای ارتجاعی مربوطه به اجراء آید. آئین نامه انضباطی خیر دانشگاه‌ها، بنمودار زمین سیاستها و اقدامات ارتجاعی است.

امروز، در نتیجه سیاستها و اقدامات بغایب ارتجاعی رژیم، میلیونها نفر از کودکان و جوانان زحمتکش ما همچنان از امکان تحصیل محرومند. صدها هزار دیپلمه پشت در دانشگاه‌ها مانده اند، غول بیسواد میهن ما بر سرشوت میلیونها زن و مرد که از امکان سواد آموزی محرومند، چیره است. افکار سیاه قرون وسطایی و درک ارتجاعی رهبران جمهوری اسلامی از سواد آموزی

و تعلیم و تربیت، طی این مدت تیش به ریشه آموزش و پرورش ما زده و وضع آنرا از گذشته به مراتب خرابتر کرده است. تخریب سیستم آموزشی و تنزل فاحش سطح آموزشی، نتایج فاجعه انگیزی به بار آورده است. که آمار وحشتناک مردودین سالهای گذشته و منفرین از تحصیل بخشی از نمود آن است. دهها هزار معلم با سواد و دلسوز و با تجربه اخراج و جای آنان را افراد بیسواد، بیشری و ارتجاعی پر کرده اند. کتابهای درسی بی ارزش از پیش از مضامین علمی تهی شده و مطابق اهداف ارتجاعی و اندیشه های قرون وسطایی سرهم بندی شده است. اشاعه خرافات و باورهای ضد علمی، ضد فرهنگی، ضد تاریخ ملی و ضد ارزشهای انسانی، بخش عمده برنامه های آموزشی را اشغال کرده است. وسایل کمک آموزشی کمترین جایی در آموزش ندارند. بیشترین انرژی دانش آموزان و دانشجویان صرف آموزشهای می شوند که کمترین ارزش علمی و عملی ندارند. رشته های تحصیلی، هر چه بیشتر از نیازهای واقعی جامعه دور شده اند. تعداد دانش آموزان رشته های غیر خدماتی، شاخه فنی و حرفه ای تنها ۸٪ و دانش آموزان رشته های چون فیزیک و ریاضی از چند درصد تجاوز نمی کنند. به جای ساختن مدارس جدید بسیاری از کلاسها و مدارس موجود تعطیل شده اند. محدودیت برای تحصیل دختران که با بنیاد بتغای ارتجاعی صورت میگیرد، هر روز شدیدتر می شود. از دانشگاه‌ها که همال بعد از تهاجم مغول و ارتحت فشار افکار عمومی ساخته شده، جزویرانه ای برجای نمانده است. استادان زحمتکش و با سواد تفضیه شده و امکانات آموزشی نابود گردیده اند.

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

فحاشی که امروز در مدارس و دانشگاه‌ها می حاکم است، کمترین شایهتی به یک محیط علمی، فرهنگی و تربیتی ندارد. در اینجا خارج پوشیدن، طرز رفتار، دوستی، حتی زندگی خارج از محیط تحصیل و اندیشه و فعالیت افراد باید در چارچوب معیارهای قرون وسطایی و ارتجاعی جمهوری اسلامی باشد. سینه زنی و توهنه خوانی به مناسبت های گوناگون، تنبیه بدنی، تعزیر، تحقیر و... بخشی از زندگی روزمره محیطهای آموزشی است. اشاعه افکار کثیف و ارتجاعی "ثواب صیبه شدن" و تبلیغ "ازدواج در سنین پایین" در بین دانش آموزان دختر رسماً و عملاً صورت میگیرد. اشاعه فرهنگ تفرقه، ربا و تزویر و خیرچینی و جاسوس مابی کار همیشگی عمال حکومت در محیطهای آموزشی است.

فضای خفقان آلود و حزن انگیزی که جمهوری اسلامی به محیطهای آموزشی تحمیل کرده، نتایج دهشتناک جنگ خانما تسوز و صدها فاجعه دیگری که جمهوری اسلامی بسار آورده، هر روز شدیدتر، زندگی و آینده شما دانش آموزان و دانشجویان را تهدید می کند. کشتار دهها هزار دانش آموز و در گروه‌های جنگ ویرانگر، نمودار با زری از این جنایات رژیم است. رژیم خود اذعان کرده است که بیش از ۵۲٪ نیروی بسیج (جبهه) دانش آموزان بین ۱۶ تا ۱۸ ساله هستند. رژیم دانش آموزان را با فشار و نیرنگ از پیش میزهای درس روانانه جبهه ها می کند و آنها را گوشه تدم نوب می‌سازد و در میدانهای مین به خون میکشد، کودک کشی و جوان کشی راه ورسم رژیم شده است جمهوری اسلامی فعالیتهای فرهنگی، هنری و علمی و اجتماعی را منع و ورزش و تفریحات سالم را نابود کرده و در محیطهای آموزشی تخم خرافات و فساد و کینه و مرگ می پاشد.

با اینهمه هر روز خوسه های خشم و نفرت شما در برابر کردار حاکم مرتجع، با روز ترمیکر دد، مردم ایران از اقدامات رژیم متفرسند. دانش آموزان و دانشجویان محیط آموزشی را در پرتو آرمانهای والا و انسانی و مردمی خود به عرصه رزمی توفنده تر علیه رژیم بدل می سازند.

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

مبارزات دانش آموزان و دانشجویان ایران، بعنوان بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیست و دموکراتیک کشور ما، همواره نقش مهمی در مبارزات مردم داشته است. مقاومت و مبارزه شما در مدارس و دانشگاه‌ها طی سالهای گذشته در به بنامت کشیدن و رسوا ساختن سیاستها و اقدامات ضد فرهنگی، ضد آموزشی و ارتجاعی رژیم، نقش بزرگی ایفا کرده است. اکنون در شرایط رشد شتابگر جنبش توده ای، وظایف مبارزاتی شما با ز هم سنگین ترمی شود. با تمام نیرو در راه انجام این وظایف بکوشید:

- با همه امکانات در برابر سیاست جهنسی رژیم

که جوانان را به سطح جنگ میفرستد، افشاگری و اعتراض کنید و در هر کجا و به هر شکلی که میتواند علیه آن مبارزه کنید. جوانان ناآگاه را بسرای خروج از "بسیج" و ترک جبهه های جنگ و غنشی کردن توطئه جنایتکارانه رژیم برای گسیل آنها به جبهه‌ها راهنمایی کنید.

- علیه سیاستهای ضد آموزشی رژیم افشاگری و مبارزه کنید. در برابر فقدان معلم و استادان با سواد و متمعد، اخراج معلمین و استنادان ترقیخواه، برنامه های بی محتوای آموزشی، اشاعه خرافات و مطالب ضد علمی در کلاسها و در کتب درسی، بسته شدن کلاسها و گانونهای آموزشی و دیگر موارد، بهر شکل ممکن، مبارزه خود را گسترش دهید. علیه سیاست بنیاد ارتجاعی چند مرحله ای کنگور ورودی دانشگاه‌ها هر چه گسترده تر اعتراض کنید.

ساقدمات و فتنایهای ضد دموکراتیک در مدارس و دانشگاه‌ها را هر چه وسیعتر افشا کنید و همگان را به مبارزه علیه آنها فراخوانید. با تفتیش عقاید و خیرچینی مقابله کنید. نام و نشان وابستگان به انجمنهای اسلامی و افرادی را که در بین معلمان و دانش آموزان و دانشجویان جاسوسی می کنند افشا، و آنان را طرد و منفرند سازید. با برنامه های تبلیغاتی و شمارهای رژیم همراهی نکنید و بهر شکل ممکن برای شکست آنها بکوشید.

از هر امکانی برای ایجاد تقویت تشکلهای صنفی و فعالیتهای فوق برنامه مذر عرصه های گوناگون استفاده کرده آنرا وسعت دهید.

سیاستهای رژیم را در اشاعه تباهی و فساد در میان جوانان افشا کنید. در راه گسترش فعالیتهای آموزشی و ورزشی و ترویج تفریحات سالم و سازنده بکوشید.

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

امروز، جنبش ما بیش از هر زمان به کنگار آگاهگرانه و سازمانگرانه و هشجاری و ایستادگی شما نیازمند است. تدارک، سازماندهی و هدایت مبارزات دانش آموزان و دانشجویان عرصه مهمی از فعالیت انقلابی شماست. در شرایطی که به ارتجاع حاکم از هیچگونه دممنشی و جنایتی برای سرکوب نیروهای انقلابی خودداری نمیکند، وظایف دشوار و خطیری در برابر شما قرار گرفته است که باید آنها را با حداکثر هوشیاری و بکارگیری همه چارچوب به انجام رسانید.

در آگاه کردن توده دانش آموزان و دانشجویان به مبارزه، پیشرو باشید و آنان را برای ایفای نقش منظم شان در جنبش انقلابی میهن ما آماده کنید.

- اعتراضات و مبارزات دانش آموزان و دانشجویان را علیه سیاستهای ضد آموزشی، تضییقات ضد دموکراتیک و دیگر سیاستهای ارتجاعی حکومت سازماندهی و هدایت کنید.
- ضرورت و اهمیت تشکلهای صنفی دانش آموزان و دانشجویان را هر چه بیشتر تبلیغ نموده و فعالیت آنان را در جهت ایجاد و گسترش تشکلهای گوناگون هدایت نمائید.
- اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را بهر طریق ممکن بخش کنید و نظرات و شمارهای سازمان را به میبای دانش آموزان و دانشجویان بسیرید. جوانان را برای شنیدن رادیوهای مدافع انقلاب تشویق کنید. افراد مطمئن را که کرایش ترقیخواهانه و مردمی دارند با مواضع و تاریخ رزم انقلابی سازمان آشنا کنید. آنها را به صفوف سازمان فراخوانید.

- اخبار جنبش مقاومت توده ها و اعتراض و مبارزه کارگران و زحمتکشان و همه اقشار خلق را در محیط تحصیل و زندگی، بهر نحو مناسب منعکس کنید.
- تبلیغات رژیم را علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران و دیگر نیروهای مبارز افشا کنید. عناصر جاسوس و مزدور را در محیطهای تحصیلی بنیاد افشا کنید.

- برای پیشبرد وظایف معین و فعالیتهای که پیش رویتان قرار میگیرد، با دیگر نیروهای انقلابی و مبارز، چاره جویی و همکاری کنید.
- دانش سیاسی خود را همواره ارتقا دهید. در همه جا سرفش فداکاری، اخلاق، احساس مسئولیت، دانش اندوزی و تحرک و شادابی باشید. شعله های مبارزه و امید را در دل جوانان برافروزید.

مرگ برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا زنده باد صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی گسترده باد مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک دانشجویان و دانش آموزان سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) شهریور ۱۳۴۲

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

“هفته جنگ” را به هفته مبارزه در راه صلح تبدیل کنیم

هم میهنان عزیز!

روز ۳۱ شهریور جنگ خانمانسوز ایران و عراق وارد پنجمین سال خود می‌شود. این جنگی است که ادامه آن به سود برانگیزنده اصلی آن، یعنی امپریالیسم آمریکا است.

جنگ که با هدف عقیم گزاردن تداوم انقلاب مردمی بهمن ۵۷ از سوی امپریالیسم آمریکا به مردم میهن ماحتمل شده، در ادامه خود به اهرم و دستاویز پیشبرد توطئه‌ها و نقشه‌های کوشا مدت و دراز مدت امپریالیستی در منطقه تبدیل گردیده است. امپریالیسم آمریکا به بهانه‌های تهید “منافع حیاتی” با تشدید بی سابقه حضور نظامی خود در خلیج فارس و قیابنوس هند، نه تنها استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران، بلکه استقلال دیگر خلیجها و کشورهای منطقه و نیز صلح و امنیت جهانی را در معرض خطر واقعی قرار داده است.

این جنگ هستی سوز قربانی‌ها، فاجعه و بلاهایی بی شماری را بوجود آورده است. شمار کشته شدگان هر دوسوی آتش جنگ به ۳۰۰ هزار تن و شمار معلولین به ۱/۵ میلیون نفر سر می‌زند. شمار ایرانی‌ها و عراقی‌هایی که از خانه و گاشانه خود دور و از مرز و آواره شده‌اند و در پشت جبهه در شرایط دشوار و توان فرسائی زیست می‌کنند از رقم سه میلیون تن می‌گذرد و میزان خسارات مالی به ده‌ها میلیارد دلار بالغ می‌شود.

جنگ، بحکمت نگرانی و دل‌پره فراگیری را به جان مردم انداخته است. در بین زحمتکشان کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که به سوگواری عزیزی زانوی غم دربرنگرفته باشد. صدها هزار مادر و پدر که چون نوری در جبهه سوزان جنگ دارند با دل‌پره، مرگ ببوده فرزندان دل‌تند خویش دست به گریبانند.

جنگ موجب در فلطین اقتصاد کشور به بحران و رکستگی شده است. وابستگی صنعتی به جهان سرمایه داری تشدید شده و گشاورزی به بحران عمیقی روبرو است. تورم و گرانی سراسر آرزو و بیگاری و مهاجرت فزاینده و ستانی از هستی ساقط شده به شهرها پیا آمد تاگزیر ادامه جنگ است. کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان زیر فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ دست و پا می‌زنند.

ادامه جنگ شرایط قدرت گیری و تسلط نیروهای ارتجاعی راستگرا، احیاناً منافع غارتگرانه کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان را در حاکمیت جمهوری اسلامی فراهم آورده است. جنگ عامل عمده چرخش حکام جمهوری اسلامی به راست و تشدید رژیم ترور و اختناق در کشور است.

به بهانه ادامه جنگ خواستها و اعتراضات توده‌های مردم و نیروهای انقلابی را با اشکال خشن و غیر انسانی در منطقه خفه می‌کنند. کارگران که در ارتباط با شرایط سخت زندگی خود دست به اعتراض و اعتماد می‌زنند، با زداشت و زندانی می‌شوند. دهقانان معترض به بازگشت بزرگان مالکان و بازستاندن زمین‌های واگذاشته شده، سرکوب می‌شوند. خلق کرد که خواستار پایان بخشیدن به محرومیت‌های تاریخی و احراز حقوق مشروع خود مختاری در چارچوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور است، به خاک و خون کشیده می‌شود.

ادامه جنگ بدون خرید جنگ افزارهای پیشرفته مقدور نیست برای اساسی رژیم بافروشی

ارتان نفت، به سوی انحصارات امپریالیستی روی آورده و به مشتری سودرسان سوداگران مسرگ تبدیل شده است. تشدید روند وابستگی نظامی به امپریالیسم و بازسازی تاسیسات صنعتی مدته دیده و ویران شده شرایط سرازیر شدن سدهای کلان به حلقوم سیری ناپذیر انحصارات صنعتی و نظامی را فراهم می‌کند. نیاز روزیم برای خرید قطعات یدکی جهت جنگ افزارهای آمریکائی حربه کارسازی در کف امپریالیسم نباده قرار دادهای اسارت بار و نابرابری در زمینه‌های گوناگون نظامی و اقتصادی به کشور ما تحمیل کنند.

سران جمهوری اسلامی که به دنبال محلات پیاپی و بنا فرجام از پیش‌بینی مادی و معنوی مردم محروم مانده اند و به علت عدم آمادگی برای پذیرش صلح، جنگ را به بن بست نظامی، سیاسی و اجتماعی کشیده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که پیروزی در میدان جنگ لزوماً با حمایت امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا - لیس آمریکا به دست می‌آید. از این رو مدت‌هاست که سیاست خارجی هویت حاکمه با روند بازسازی وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و همسویی و همسانی سیاسی با برپاکنندگان و آتش‌بازان اصلی جنگ آمیخته است.

پس از گذشت چهار سال از آغاز جنگ، در شرایطی که ادامه آن به وسیله شومی برای اجرای اهداف و مطامع ماجراجویانه و بلند پروازانه

“مدورانقلاب” سردمداران رژیم تبدیل شده است. توده‌های زحمتکش دیگر حاضر به ادامه این جنگ نیستند. موج ناخشنودی و اعتراض توده‌های وسیع مردم نسبت به سیاست ادامه جنگ هر روز به اشکال گوناگون بالا می‌گیرد. روح گیری روحیه ضد جنگ در میان همه اقشار و طبقات زحمتکش و حتی زده‌های گوناگون نظامی و بسیج، با سیاست سرکوب آشکار و پراکندن بذر رعب و وحشت رویاروشده است. کار به جایی رسیده که مقامات دولتی، از جمله رئیس جمهوری، هرگونه سیاست بازی به معنی بحث و گفتگو و تفکر درباره عمل و دورنما و فرجام جنگ را ممنوع اعلام کرده‌اند. رسانه‌های گروهی زیر ساطور شدیدترین سانسور قرار گرفته‌اند تا مبادا گوشه‌ای از خواستهای صلح طلبانه، توده مردم با زتاب یابند. ولی با وجود این، رژیم موفق به فرونشاندن روحیه صلح خواهی مردم نشده و نخواهد شد. روزی نیست که جوانان از جبهه‌ها برگردند، روزی نیست که در مراسم سوگواری جوانان و کودکانی که از کارگاهها و مدارس و مزارع به میدانهای مین کشیده شده‌اند، شعارهای ضد جنگ داده نشود. روزی نیست که فریاد اعتراض مادران و پدران داغ دیده شنیده نشود. روزی نیست که کارگران و کارمندان به کسر یک روز از حقوق ناچیز خود برای جنگ اعتراض نکنند. مردم از کمک به جبهه و رفتن به جبهه خودداری می‌کنند.

در شرایط کنونی جنگ به عامل کارآمد و موثر پیاده کردن اهداف و امپریالیسم و ضد ملی رژیم تبدیل شده است. ادامه جنگ نتیجه‌ای جز زور و گسترش سیاست ضد دموکراتیک و استقلال بر باد ده، جز تشدید روند بحران اجتماعی و اقتصادی و تحکیم وابستگی نظامی و اقتصادی به امپریالیسم، جز استوار شدن مواضع کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان و دیگر بیگمگران داخلی و خارجی، جز غارت دسترنج ناچیز کارگران و دهقانان و کوشش

دم توپ کردن فرزندان توده‌های محروم ندارد. بی آمدهای فاجعه بار این جنگ نه تنها دامنگیر نسل امروز، بلکه نسلهای آینده ایران نیز هست. سیاست اقتصاد جنگی و غیره سراسری است. همتی جامعه را در خدمت اهداف توسعه طلبانه و ماجراجویانه حکام ارتجاعی گذاشته است. هم میهنان عزیز!

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق (اکثریت) از همان آغاز جنگ موضع اصلی، قاطع و عمیقاً مردمی و فدا میریالیستی نسبت به جنگ داشته‌اند و در حال حاضر نیز دارند. توده‌های فدائیان برای انجام وظیفه ملی و میهنی خویش قهرمانانه دوشادوش مردم در سرتوهای خونین و مقدم جبهه علیه اشغالگران رژیم تودار و هیچ گونه ایثار و فداکاری فروگذار نکردند. هیچ کس نمی‌تواند حماسه آفرینی‌ها و نقش تعیین کننده افتران میهن پرست همانند انقلاب، کبیری‌ها، و عطاریان‌ها را در روزهایی که جنگ در خاک میهن ما جریان داشت، نادیده انگارد. فاتحان میدانهای جنگ که به دست حکام ارتجاعی به جرم میهن پرستی به جوخه‌های اعدام سزده شدند.

باید درم شکستن نقشه‌ها، مهاجمین، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به حق خواستار پایان جنگ شدند. شمار پایان جنگ که به گونه‌ای ژرف با منافع و سیاست

ارتجاع حاکم در تضاد بود، یکی از عوامل عمده بیورش سیمانه به حزب توده ایران و سپس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شد. ولی گذشت زمان و واقعیت سرخست زندگی حقانیت شعارها و پیشبندهای ما را ثابت کرد و نشان داد که ادامه جنگ تنها به زبان خلقهای ایران و عراق و به سود امپریالیسم آمریکا است. در لحظات حساس و سرنوشت ساز کنونی، جنگ به عنوان عمده ترین عامل تهدید استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی میهن ما به شمار می‌آید. در چنین اوضاع و احوالی است که رژیم هراسال هفته جنگ برگزار می‌کند و با تبلیغات بردا منته پیرامون شعار جنگ، جنگ تا پیروزی و در برده نگه داشتن اهداف واقعی خویش از ادامه جنگ به منظور توجیه سياهکاریهای خود استفاده می‌کند.

مبارزه علیه مداخله امپریالیسم و مبارزه علیه نیروهای وابستگار و آزادی کش حاکم، عمیقاً و ماهیتاً با شعار توده‌ای ما مطمح می‌خواهیم و به جنگ پیوند دارد. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه احزاب و سازمانهای فدا میریالیست و مترقی، همه نیروها و شخصیت‌های ملی و میهن پرست را فرا می‌خوانند تا یکجا رجه و یکمدا، دوشادوش توده‌های زحمتکش که با راه اصلی جنگ را بردوش دارند، همه توان خویش را به کار گیرند تا هفته جنگ را به هفته مبارزه در راه صلح و هفته افشاکاری اهداف رژیم از ادامه جنگ تبدیل کنند. اتحاد و مبارزه بیگانه ضامن ناگزیر ساختن هیئت حاکمه به ختم جنگ و پذیرش صلح است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
شهریور ۱۳۶۲

برای پایان دادن به شکنجه و اعدام، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم!	برای پایان دادن به تحقیر و توهین به زنان، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم!	برای پایان دادن به گرانی و بیکاری، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم!	برای پایان دادن به شکنج و اعدام، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم!
فدائیان - اکثریت	فدائیان - اکثریت	فدائیان - اکثریت	فدائیان - اکثریت

مرگ بر جنگ و استبداد، زنده باد صلح و آزادی

رژیم حاکم و سرنوشت قانون اساسی

سرنوشت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آشفته، تمام نمای سرنوشت خودمختاری اسلامی است. نبردی که بر سر چگونگی تفسیر و اجراء این "قانون" در گرفت، بویژه نبرد بر سر آماج های اقتصادی آن، مذهباً کانون ستمگر گرایشهای متضاد درون حاکمیت بود. در این روند سازمان ما و حزب توده، ایران بیگارستری را برای تقویت گرایشهای ترقیخواهانه درون حاکمیت وسیع توده‌ها در سمت اجراء آماج‌های اقتصادی و مترقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از تسلط گرایشهای ارتجاعی و پیاپی شدن آماج‌های ارتجاع سازمان دادند. اما سرانجام، با باخت رهبری جمهوری اسلامی و موضع گیری آیت الله خمینی علیه همه آماج‌های انقلابی، ستم آماج‌های ترقیخواهانه قانون اساسی جمهوری اسلامی بطور کامل پایمال شدند و اصول ارتجاعی آن سرمایه‌بر ارتجاع حاکم گشتند.

سرنوشت "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" بدلیل تضادها و تناقضات بنیادی و همه جانبه آن ناهنجاری به چگونگی اجراء آن و چگونگی اجراء آن به گرایش و ستمگری مسلط در حکومت و نهادها و حکومتی بستگی داشت. چنانچه گرایش ترقیخواهانه در حاکمیت تعمیم و تحکیم و تعالی می یافتند و حاکمیت در راستای آماج‌های بنیادین انقلاب بهمین نتوین می پذیرفت و پیش میرفت. این امکان فراهم میشد که با تاکید بر آماج‌های ترقیخواهانه "قانون اساسی" و تدوین یک "متم" برای اصلاح و تکمیل آن اقدامات مهمی برود مردم انجام گیرد. در چنین صورتی، اصول ارتجاعی قانون اساسی جمهوری اسلامی فرسوده و شکسته میشدند، زمینه اجراء آنها تنگ و تنگتر میشدند و نیروی هرجه بیشتری برای آن وسیع میگشت. برعکس، هنگامیکه رهبری جمهوری اسلامی، راه دشمنی با همه آماج‌های انقلابی بهمین رایبش گرفت و بار دیگر ارتجاع بر کشور حاکم شد، همه اصول ترقیخواهانه "قانون اساسی جمهوری اسلامی" یکایک نفی و پایمال شدند، همه پیش بینی‌های بیگانه و چند پهلوی "قانون اساسی" سودا ارتجاع تفسیر گردیدند و اصول ارتجاعی آن دست‌انویز مهم ارتجاع برای تحکیم "ولایت" خود شد.

تضادها و تناقضات قانون اساسی جمهوری اسلامی منعکس کننده ایدئولوژی و برنامه متناقض رهبری جمهوری اسلامی کشاکش گرایشها و جریانهای "کاملاً" متضاد درون حاکمیت و شرایط پیچیده و متحول پس از انقلاب بوده است. همه این تضادها و تناقضات، کشاکش گرایشها و جریانهای متضاد درون هیات حاکمه از سوسیالیسم و آزادی دیگر محور نیرومند توده‌های انقلابی در بنیاد نبرد و تاثیر آن در رهبری جمهوری اسلامی در جریان تدوین و تصویب "قانون اساسی جمهوری اسلامی" مهم و نشان خود را برای گذاشتند. اصول "قانون اساسی" راه روشنی می توان به سه دسته تقسیم کرد: اصول مترقی و مردمی به صراحت دارند و امکان انجام یک رشته اصلاحات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی بسیار مثبت را فراهم میسازند، اصول ارتجاعی و ضد مردمی که صریحاً باقی حقوق توده‌ها و آزادیهای سیاسی و مردمی هستند، دسته سوم شامل اصول مهم و چند پهلوی است که محتوای آنها بستگی به مفسرین و جریان آنها دارد. این اصول غمگنا "با هم متضادند و نفی نفسه ای یکدیگرند.

برهمن پایه "قانون اساسی جمهوری اسلامی" در کلیت خود، چنان متضاد و متناقض است که امکان "اجراء" کامل آن هرگز ممکن نبوده است بنیاد ستمگری های ترقیخواهانه "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، همانا اصول اقتصادی آن و بطور مشخص اصول چهل و سوم و چهل و چهارم آن بوده است. اجراء انقلابی این اصول زمینه ساز براندازی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، تحدید بخش خصوصی و گسترش بخش دولتی و ملی و نتیجتاً "بیشروی در ستم قحط و باسنگی اقتصاد کشور" به انحسارات امپریالیستی بود. انجام چنین اطلاعاتی بطور بنیادی در خدمت بازاری و نوسازی اقتصادی و پیشرفت اجتماعی کشور بود و زمینه را برای تحولات بنیادی تر فراهم میساخت. افزون بر این، پیش بینی های قانون اساسی در اصل ۱۵۴ و ۱۵۷ و اصول مشابه برای ایجاد شورا های اجرائی و ادارتی و شورا های صنفی زمینه های مثبتی را برای اعمال نظرواراده مردم در هدایت جامعه و پاسخ به خواست هایشان فراهم نمیکرد. اجراء "مجموعه" این اصول بنیاد حاکمیت کلان تاجران و سرمایه داران و زمینداران بزرگ و استبداد "ولایت فقیه" را در هم میسخت. از اینرو سرمایه داران و زمینداران و رومانیون مرتجع و دیگر نمایندگان غارتگران داخلی و خارجی در یک سنگر علیه چنین آماج‌هایی به توطئه

برخواستند و تدریجاً "جبهه" خود را گسترش دادند و سرانجام با انرا گرفتن آیت الله خمینی در رأس این جبهه ارتجاعی، ضربت نهایی بر پیکر انقلاب فرود آمد. استبداد مذهبی منعکس شده در "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" یعنی "ولایت فقیه" در این راستا به حربه بیرومند گرایشها و جریانهای ارتجاعی حاکم، برپای نفی همه قوانین ترقیخواهانه، نفی نظرواراده مردم و به کرسی نشاندن آماج‌های انقلابی خود بدل شد.

آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی، سیمای و وظایف "ولایت فقیه" را شرح میدهد، تریسیم کننده یک شکل استبداد مذهبی قرون وسطایی است. اصول "ولایت فقیه" بر پایه نفی اراده مردم سوار است. البته در قانون اساسی سخن از "انتخاب فقیه" و "انتخاب نماینده" هم رفته، اما این به اصطلاح "انتخاب" مشروط است به انتخاب استبداد ولایت فقیه، یعنی مردم "آزادند" همان مستبد و همان استبداد را "انتخاب" کنند که به آنها تحمیل میشود. در هر صورتی حکومت بر پایه "مذهب و ولی فقیه" در رأس حکومت است و "مشیر" شورای نگهبان نیز بالای مردم و مجلس و هر قانونی که مطابق خواست حکام نباشد، قرار دارد.

قدرتی که "قانون اساسی جمهوری اسلامی" به "ولی فقیه" و "شورای نگهبان" داده است، حداکثر قدرت ممکن در یک رژیم مستبد است. ولی فقیه و شورای نگهبان هر قانونی و از جمله خود قانون اساسی را که حدود اختیار آنها را مشخص کرده است، میتوانستند دگرگون و نفی کنند. در واقع چنان قدرتی در اختیار اینان قرار گرفته که هر حکم شان میتوانست "قانون" باشد و هر راه شان میتواند نافذ هر قانون، استبداد، در هر شکل و به هر طریقی ارتجاعی است. حتی در شرایطی که یک انقلاب عمیق اجتماعی انجام شده باشد، چنانچه استبداد برقرار شود انقلاب را در معرض خطر نابودی قرار میدهد. همینگونه، اندیشه در آمیزی دین و دولت و بخصوص نوع دشمن و جریان آن، یعنی حکومت بر اساس فرق مذهبی فی نفسه اندیشه ای ضد دموکراسی و ارتجاعی است. "ولایت فقیه" به مثابه استبداد مطلق بر بدین بطور مضاف غمگنا "قانون" شد دموکراسی و ارتجاعی دارد.

نقش و کارکرد "شورای نگهبان" در "ولایت فقیه" و نقش "شورای نگهبان" آیت الله خمینی در طول سالهای پس از انقلاب بهمین، تجسم کاملی از استبداد "ولایتی" است. شورای نگهبان جمهوری اسلامی "از همان آغاز به مثابه عامل خشن کننده" اراده و نظر مردم به میدان آمد. کلان تاجران و سرمایه داران و زمینداران بزرگ و جریانهای گرایشهای مدافع آنها در حکومت، بخوبی میدانستند که با تسخیر "شورای نگهبان" می توانستند ضربات کاری بر تلافی ترقیخواهانه در مجلس و بر آماج‌های ترقیخواهانه قانون اساسی وارد آورند. در واقع اگر مجلس مهمترین نهادی بود که در همان حد قانون اساسی امکان انعکاس بخشی از نظرات مردم را فراهم میساخت، "شورای نگهبان" نیز مهمترین نهادی بود که از همان آغاز، و خارج از "حدود قانون اساسی" و متضاداً آرمانهای مردم و آماج‌های مثبت قانون اساسی تمام و کمال، خواست و اراده کلان تاجران و سرمایه داران و زمینداران بزرگ را جاری میکرد. شورای نگهبان نمیتوانید "ید" ارتجاع مافوق مجلس و قانون اساسی قرار گرفته و تلافی مردمی مجلسیان ترقیخواه را خنثی و فلج میکرد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی گفته شد: "مجلس شورای ملی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد." (مصل ۹۳) و کلیه مصوبات مجلس شورای ملی باید به شورای نگهبان فرستاده شود" (مصل ۹۴) و "تفصیح عدم منابرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تفصیح عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده" اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است" (مصل ۹۶) و تفسیر قانون اساسی بعد از شورای نگهبان است... (مصل ۹۸). این "اصول" که آشکارا و به شکلی تفسیر است انگیز بر پایه نفی و تحقیر اراده مردم و بیست کردن مجلس در برابر ولی فقیه و شورای نگهبان و تنظیم شده است. سرنوشت انقلاب بهمین، سرنوشت کشور و مردم و سرنوشت همه طرحها و پیشنهادها و مجلس را به شش نفر "فقیه" سیرده که "انتخاب" این عده، بر رهبری شورای رهبری است (مصل ۹۹). اما شی کاشانی، سخنگوی "شورای نگهبان" در جهت نابودی کامل هر نظر و اراده مخالفی حقوق و اختیارات شورای نگهبان را اینگونه تفسیر می کند:

"وظایف شورای نگهبان پنج چیز است: اول مصوبات مجلس را تا پید با رد میکند... دوم تمام قوانین در انبعاث مختلف باید اسلامی باشد و این مطلب حتی قانون اساسی را هم میگوید و مشخص این معنا هم، شورای نگهبان است. سوم تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است. چهارم، تعیین صلاحیت رئیس جمهور است. پنجم تعیین صلاحیت نمایندگان مجلس است. بنا بر این اگر بخواهیم وظایف شورای نگهبان را مطرح کنیم باید عرض کنیم که وظایف شورای نگهبان پنج چیز است و این پنج امر هم همه امور پایه است و مهم ترین مسائل جمهوری اسلامی است و می توانیم (بگویم) که عملاً نظام جمهوری اسلامی بر سر دوش همین دوازده نفر است...".

ربانی امینی، یکی دیگر از مرتجعین نیردر همین زمینه میگوید: "هر گاه شورای نگهبان تفسیر کرد هیچکس حق مخالفت ندارد. اگر قاطعانه نظر داد و تفسیر کرد، این تفسیر میشود قانون اساسی".

روشن است که همه "حقوق شورای نگهبان" و تفسیرهای این "شورا" از حقوق خود با اذن و تایید "ولی فقیه" یعنی شخص آیت الله خمینی بوده است. "شورای نگهبان" جسمی از اراده "ولی فقیه" و "اهرم بلا فصل اعمال اراده آن است. چنانچه خمینی اقدامات "شورای نگهبان" را مخالف "رای" خود تشخیص میداد، به آسانی میتوانست همه اعضا، آنرا تغییر دهد و کسان دیگری را در این سمت بگذارد. اما بعکس ایشان همواره از این "ستون اسلام" در مقابل مخالفین اقدامات آن دفاع کرده اند و بویژه هنگامیکه ایشان برای افزایش قدرت و اقتدار همیمن "شورای نگهبان" کوشیدند. ایشان بی پرده به مجلس اعلام کردند که شما نباید لواحق تصویب کنید که شورای نگهبان با آنها مخالف است!

بدینگونه مجلس موظف شد در هر مورد مشخص ابتدا حدود اختیارات و محدوده مجاز تصمیم گیری را از "شورای نگهبان" "افتتاح" کند، آنگاه در همان محدوده مقرر، که تمام و کمال به حدود منافع غارتگران ختم میشد، تصمیم گیری بپردازد.

"شورای نگهبان" که هم طرفدار سرمایه داران بزرگ است و هم طرفدار فئودالها، از همان آغاز در ست استفاده از همه "حقوق" خود برای تهنی کردن "قانون اساسی"، از هر گونه محتوای ترقیخواهانه و به کرسی نشاندن آماج ارتجاع دست نگار شد. همه لایحه ترقیخواهانه ای که در مجلس به تصویب میرسید، بیدرنگ با سبک گردن پذیر "شورای نگهبان" مواجه میشد و با مهر "مخالف شرع" و "مخالف قانون اساسی" به مجلس باز میگشت. لایحه اصلاحات ارضی و لایحه دولتی کردن تجارت خارجی، که مهمترین لایحه ترقیخواهانه مجلس بودند، اجراء آنها نمیتوانست به کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی ضربه وارد آورد، چندین بار و علیرغم تعدیل و تمطیع از سوی شورای نگهبان رد شدند و سرانجام از بنیاد نفی گشته، و "غلاف شرع اسلام" شدند. تاریخ نبرد بر سر دو لایحه فوق در عین حال بیانگر روند سلطه بی چون و چواری "شورای نگهبان" بر مجلس و انطباق مجلس، با ستمگری شورای نگهبان آیت الله خمینی است. در پایان این روند از آنچه "قانون اساسی" نامیده میشد تنها مفاد ارتجاعی آن بر جای مانده اجراء گذاشته شد، و هر چه مواد مترقی در این قانون بود با "تفسیر" شورای نگهبان مسخ و نفی گشتند و همین "تفسیر" بعنوان "قانون" به "متم" و "مکمل" قانون اساسی تبدیل شدند چرا که اگر شورای نگهبان قاطعانه نظر داد و تفسیر کرد، این تفسیر میشود قانون اساسی".

در راستای روندی که بر سر گرفته شد، رژیم تشکیل یافت و بر کشور ما چیره شد که حتی سرایا برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی، یعنی برخلاف قانونی است که خود رژیم ارتجاع تصویب کرده است، برنامه و آماج‌های اقتصادی اجتماعی این رژیم از پایه با محتوای اقتصادی اجتماعی قانون اساسی در تضاد است. رژیم آیت الله خمینی تجسم نفی همه آماج‌های مثبت قانون اساسی و بطور اولی تجسم نفی همه آماج‌های انقلاب بزرگ بهمین است. ارگان رژیم حاکم بر نابودی آزادی سیاسی، نفی عدالت اجتماعی، تهدید استقلال ملی و نفی صلح و امنیت اجتماعی سوار است. این رژیم تا همین گذشته منافع کلان تاجران و سرمایه داران و مالکان بزرگ دشمن طبقه کارگر توده های میلیونی، واقع بی سابقه ترین های ملی و مذهبی و جنسی و فرهنگی و نمیدانیم ماندترین شکل استبداد است.

توده های میلیونی که انقلاب بهمین را بپا کردند و همه نیروهای انقلابی و میهن پرست، ارتجاع حاکم را مانع عمده تحقق آنجا های انقلاب می دانند، سمت اصلی مبارزه نیروهای انقلابی با این دادن به حاکمیت ارتجاع است.

جنبش کارگری در راه پیشرفت بقیه ارضه ۱

یکی از خواستهها آن اعتبارات خونین کارگران شرکت ساسان (که درباره آن در همین شماره کسب توضیح داده شده است) ، افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار بود. اهم اعتبارات و اعتراضات دیگر نه بهمین منظور در ماههای اخیر صورت گرفته ، بهارتنداز ، اعتبارات حقوق زنان کارگر خراسان لکتیکی در اعتراض به قطع غذای شیرخوارگان از جانب مدیریت در ماه رمضان ، اعتبارات کارگران کارخانه تولید پرسی هیدرولیک ، تحصن و اعتبارات به روزه کارگران کشت و صنعت مغان که خواهان افزایش دستمزد ، اخراج مدیر عامل ضد انقلابی و بازگشت کارگران اخراجی بودند ، آگام ، ایسران ، جوخ ، گوشت زیاران ، فولادآهنگان ، همچنین اعتراض وکم کاری در موسسه کیهان که به افزایش ۳۵٪ دستمزد منجر شد ، کارخانه کاشی سعدی شیراز ، شهاب و ...

یکی دیگر از عرصه های مبارزه کارگران ، شرایط کنونی دستیابی به طرح مترقی طبقه بندی مشاغل است . کارگران خواهان آنند که در حاسب دستمزدشان عواملی چون سابقه کار ، سختی کار ، رومیزان تخصص آنها ملاک عمل و محاسبه قرار گیرد و بر اساس این عوامل و عوامل مشابه آن ، مشاغل طبقات بندی گردند . طرح ارائه شده از جانب وزارت کار چه به لحاظ مضمون و چه به لحاظ نحوه اجرای آن ، مورد اعتراض کارگران است . از جمله مهمترین خواست کارگران شرکت ساسان در اعتراض به نحوه اجرای همین طرح طبقه بندی مشاغل پیشینداری وزارت کار بود . همچنین در فروردین ماه کارگران کارخانه چیت تهران در اعتراض به توقف طرح طبقه بندی مشاغل به اعتبارات موفقی یک روزه دست زدند . در جریان این اعتبارات دادستانی خواستار سرکوب اعتبارات گردید ، ولی به دلیل هوشیاری کارگران موفق به انجام آن نشد . در اعتراض به عدم اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل ، در کارخانه شهاب هیتاچی در کارخانه تولید ذغالساز و در کارخانه تریزقی (دن باکستر) و تعداد دیگری از کارخانجات ، کارگران دست به اعتراض دسته جمعی زده اند .

مبارزه کارگران در راه دستیابی به قانون کار مترقی است . در جریان رد قانون کار ارتجاعی و ضد کارگری توکلی به اوج خود رسیده بود ، به اشکال مختلف ادامه دارد . در دوره اخیر ، اوج آن زمانی بود که وزیر کار جدید سرحی زاده در دیدار با نمایندگان کارمندان قانون کار شانههای ربه کارگران میهن ماتحمل کند . علیرغم تمامی تهدیدات و تشویشات این قانون ، کارگران به اشکال مختلف از جمله در جریان برگزاری سمینار و دیگر اجتماعات کارگری مدای اعتراض خود را علیه آن بلند کردند . کارشناسان آگاه گرانه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران در جریان افشاشدن ضد کارگری توکلی و سندپاره سرحی زاده تا شایر گسترده ای در بسج کارگران علیه قانون کار ارتجاعی حکومت آهسته آهسته ، اعتراضات وسیع کارگران به این قانون کذایی ، موجب شد که تا این لحظه حکومت نتواند قانون کار خود را به کرسی بنشاند .

مبارزه کارگران جهت حفظ تشکلهای باقیمانده ، ایجاد تشکلهای مستقل و انتصاب نمایندگان آگاه ، پیگیری مترقی همچنان جریان دارد . وقایع جاری در محیط های کارگری بیانگر این حقیقت است ، که نه تبلیغات رژیم علیه کارمندان پیشرو و انقلابی و نه اخراج وسیع آنان به با هدف ایجاد جوایب اعتمادی و رسیدن در محیط های کارگری صورت گرفته و میگیرد ، نتوانسته حمایت توده کارگران از عناصر پیشرو را سلب نماید . وقایع جاری همچنین بیانگر آنست که روند سلطه اعتماد کارگران نسبت به انجمنهای اسلامی و دانشه کارگر که از مدتها قبل آغاز شده بود ، با سرعت و عمق بیشتری به پیش می رود . کارگران به ماهیست نمایندگان دستچین شده و تشکل های زرد حکومتی بیخا از پیش پی برده و از آن دور می شوند . در مقابل ، تمایل و تلاش برای دستیابی به تشکل های مستقل کارگری در میان کارگران روز بروز طرفسداران بیشتری پیدا می کند .

در ماههای اخیر تلاش کارگران برای حفظ تعاونی ها و اتحادیه های ممکن که رژیم به آنها گوناگون قضاوت خلدورانه و متلاشی کردن آنان را دارد و همچنین مبارزه در راه هرچه فعالتر کردن این تشکل ها ، از موفقیت و اهمیت خاصی برخوردار بود . از مهم ترین حرکات کارگری در این رابطه تلاشی بود که کارگران قزوین جهت حفظ اتحادیه تعاونی های ممکن قزوین متشکل از ۷۰ تعاونی ممکن بعمل آوردند . چندی قبل این اتحادیه زیر فشار سرمایه داران ، توسط ارگانهای حکومتی خودسرانه منحل شد ، ولی به اعتبار رهبنستگی و حمایت جدی کارگران از اتحادیه خود ، نه تنها

اتحادیه توانست موجودیت خود را حفظ کند ، بلکه موفق شد که ادامه مذاکرات جهت دریافت زمین برای مرحله دوم ایجاد خانه های کارگری را به مسئولان رژیم تحمیل نماید . این اتحادیه در مرحله اول موفق به تهیه ۲۰۰ واحد خانه کارگری گردیده بود .

نمونه دیگر ، " تعاونی های مسکن کارگری شهرک غرب " متشکل از ۴۶ تعاونی مسکن کارگری است . این تعاونی ها در نتیجه تلاش خود توانستند در شهرک غرب زمین بگیرند . ولی جریان ساختن با کارکنان های شهرداری ، ساژ و نیروها و خانه کارگر روبرو شده است . تلاش حکومت و خانه کارگر متوجه آن است که با طرح مسایلی انحرافی در میان کارگران نفاق و چنددستی رادراین مجتمع تعاونی دامن زیند و بدینوسیله آنرا متلاشی کند . کارگران با آگاهی به اهداف ضد کارگری حکومت و دست نشاندگی خانه کارگر توانستند وحدت و انسجام متشکل خود را حفظ کنند . همچنین طی ماههای اخیر تعداد دیگری از تعاونی ها و اتحادیه های مسکن توانستند در مقابل انواع توطئه های حکومتی پایداری کرده و به کار خود ادامه دهند . از جمله مجتمع تعاونیهای مسکن جنوب و تعاونی مسکن کارگران نفت و ...

اعتراض علیه اخراج کارگران و مبارزه در راه لغو ماده ۳۳ قانون کار آریا شهری یکی دیگر از عرصه های مبارزه کارگران در شرایط کنونی است . صاحبان سرمایه و حکومت حامی آنان همچنان به تکیه بر اصل ۳۳ ، به دلایل واهی از جمله نبود مواد اولیه ، اغلال در محیط کار ، بدرفتاری سرکار و نبود بودجه دست به اخراج کارگران می زنند . اخراج کارگران با وسعت ادامه دارد و نمونه های زیر گوشه ای از حقایق است :

مدیریت کارخانه جنرال الکتریک به بهانه نبود مواد اولیه تصمیم به اخراج ۱۵۰ کارگر گرفته است . این تصمیم مدیریت با اعتراض شدید دسته جمعی کارگران روبرو گردید و مدیریت مجبور به عقب نشینی شد . ۷۰ کارگر بهمانی وزارت راه شهران در دیل به بهانه نبود بودجه ۲۵۰ کارگر کارخانه پارس متال به بهانه مشابه اخراج گردیدند . ۸ نفر از کارگران کارخانه زامیا در جریان اعتراض به کمی دستمزد ها به زندان می شدند ، که موجب اعتراض دسته جمعی کارگران قرار گرفت . در کارخانه ارج کارگران شیفت سوم برای تغییر ساعت کار دست به اعتصاب زدند . ۸ نفر از کارگران اخراج گردیدند که با مقاومت کارگران جهت بازگرداندن کارگران اخراجی مواجه شدند . در کارخانه " صنایع دفاع ملی کارگران با اعتراض دسته جمعی از اخراج یکی از کارگران جلوگیری کردند . ۸ نفر از کارگران مبارز کارخانه لوله سازی واقع در جاده ساوه به اتهام ایجاد اعتشای اخراج شدند . کارگران جدا خواهان بازگشت رفقای همزم خود شدند . همچنین یکی از خواستههای مهم کارگران اعتصابی کشت و صنعت مغان ، بازگشت دادن کارگران اخراجی به سرکارهایشان بود .

در ماههای گذشته مبارزه کارگران علیه عناصر روبرو ندهای تبه کاری که علیه مصالح کارگران و زحماتشان علیه مصالح ملی مادر کارخانه ها و موسسات دست به انواع زردیها ، اختلاس ، رشوه خواری می زنند ، گسترش یافته است . در مواردی مانند لوله سازی جاده ساوه علاوه بر تکه کارگران دزدی که در کارخانه (که معدومش بود) اولیه کارخانه به جای آن آلات اسقاطی را داشت) کشف کردند و او را افشا نمودند ، که به اخراج او و همدستانش منجر گردید . تلاش ارگانهای رژیم جهت بازگشت این دزدان با مخالفت و مقاومت کارگران روبرو است .

در ماههای اخیر کارگران به اشکال مختلف مخالفت خود را با ادامه جنگ گسترش داده اند . از جمله رایج ترین شیوه ای که کارگران در پیش گرفته اند ، مخالفت جدی و آشکار با کاهش جیساری حقوق خود برای " کمکی جبهه های جنگ " است . اشکال دیگر مخالفت کارگران با جنگ عبارتست از ترقتن داوطلبانه به جبهه ها ، مانعست از پیوستن فرزندانشان به نیروی بسیج و عدم ارسال کمک های جنسی به جبهه ها ، عدم شرکت در مراسم سخنرانی که در این رابطه تشکیل می شود ، در شرکت گلوگر (نشاسته) ایران وقتی کارگران مطلع گردیدند که یک روز از حقوق آنان خودسرانه کسر گردیده ، بعنوان اعتراض روزی چند تن را به جای آن تعطیل می کنند . در کارخانه شیشه سازی ساسان ، وقتی کارگران متوجه می شوند سود ویژه آنسان بدون اطلاع کارکنان جبهه فرستاده می شود ، دست به اعتصاب می زنند که به مرور شدن تعدادی از کارگران منجر می شود . در کارخانه پارس خودرو ، به دنبال شایخ شدن ارسال سود ویژه کارگران به جبهه ها ، اعتراض دسته جمعی کارگران به بالای کسب سود مدیریت مجبوره عقب نشینی شده سود ویژه را به کارگران پرداخت می نماید . در همین رابطه کارگران کارخانه های تولید و تصفیه روغن تهران (اسو) ،

کارخانه روغن و رامین شماره ۲ ، و تعداد زیادی دیگر از کارخانه ها از کمک به جبهه ها خودداری کردند و حاضر به دادن سود ویژه و یا یک روز حقوق شان به جبهه ها نشدند .

در شرایط کنونی مبارزه کارگران در اشکال مختلف تجلی می کند . عمده ترین تحولی که در شکل مبارزه کارگران پدید آمده ، این است که متشکل طومار نویسی ، عریضه نویسی و تقاضا از حکومت جای خود را به اقدام مستقیم و مستقل کارگران می دهد . اعتصاب ، تعطیل موقت کار ، کم کاری و مراجع مستقیم به مقامات عمومی ترین اشکال مبارزه کارگران در شرایط کنونی است .

امروز ، ارتجاع حاکم حرکات کارگری را با توسل به خشن ترین اشکال تفرقه افکنی سرکوب می کند . تلاش حکومت متوجه آنست که بدینوسیله جنبش ربه شد کارگران را در هم شکسته و وارد مرحله تسلیم نماید . بکارگیری این شیوه ها از جانب حکومت ماهیت ارتجاعی او را برای توده های بیشتری افشا کرده و می کند . گزارشات و مشاهدات متعدد نشان می دهد که تمایل کارگران جهت بکارگیری روشهای موزتر جمعی توده ای شده تر تقویت شده است . از جمله تمایل کارگران جهت دستیابی به تشکل های مستقل کارگری و پیشینداری مبارزه از طریق تشکل های واقعا کارگری پدید آمده ربه رشد در جنبش طبقه کارگر است . توده کارگران بطور فزاینده اعتماد خود را نسبت به انجمن های اسلامی و خانه کارگر دیگر تشکل های حکومت ساخته از دست داده و می دهند .

یکی از مهم ترین عطف های جنبش کارگری در شرایط کنونی کارکنندگی و عدم وجود تشکل های مستقل و فرا کارگری است . از جمله موزتر ترین راه های مقابله با این ضعف ، تامین حمایت توده ای کارگران نسبت به ایجاد سندیکاها و اتحادیه های واقعا کارگری است . از این رو کارگران پیشرو می بایست از طریق مبارزات به کار توضیحی مداوم در میان توده کارگران ضرورت عاجل ایجاد تشکل های مستقل و فرا کارگری و همچنین نقش و اهمیت آن در جنبش کارگری را تبلیغ و ترویج نمایند . در عین حال کارگران آگاه و انقلابی بایست با پدید آمدن در جنبش شرایطی که حکومت با تکیه بر سرسریزه و حرکت تفرقه افکنی و هرتشکل انقلابی و مترقی صنفی و سیاسی را سرکوب کرده و فعالین آنرا تحت پیگرد های وحشیانه قرار می دهد ، امر سازماندهی مخفی و زیرزمینی مبارزه کارگران اهمیت تعیین کننده پیدا می کند . از این رو همانگونه که در پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بهمناسبت اول ماه مه امسال آمده است "... زبده ترین و سبب تجربه ترین کارگران با پدید آمدن مسئولان پنهان کاری دوره جمع شوند و مسئولیت هدایت و کنترل مبارزه توده کارگران را بر عهده گیرند ، این امر یعنی ایجاد هسته های مخفی جهت ادامه کاری ، پایداری و پیگیری مبارزه متشکل کارگران و همچنین جهت هدایت صحیح و آگاهانه آن در شرایط کنونی انتری الزامی است . " هسته های مخفی می بایست با تنظیم و طرح دست و پنهان موقعت خواستههای کارگران و انتخاب متکل مناسب حرکت اعتراضی امکان به پیروزی رساندن آنان را هرچه بیشتر تامین نماید . این هسته های مخفی بایست با اهدافی مختلف کارگری هماهنگی و وحدت عمل را سازمان داده ، صندوقهای مخفی اعتماد و اخراج متکبل دهند .

پخش اخبار جنبش کارگری و اعتراضات و خواستههای کارگران و بسته و آهسته های کارگری از طریق مختلف بکوشند و همچنین کوشش کنند اخبار مربوط به مبارزات سایر واحدها و سایر زحماتشان را به اشکال مقتضی به میان کارگران بپزند و به ارتباط و همبستگی میان کارگران و واحدهای مختلف از این طریق بناری رسانند .

انتخاب عکس العمل مناسب کارگران در لحظاتی که رژیم توطئه های گوناگون علیه آنان تدارک می بیند ، خصوصا زمانی که ما مورات حکومت کارگران را مورد هجوم مسلحانه و ضد انقلابی خود قرار می دهند ، از جمله مهمترین وظایف این هسته های مخفی است .

یکی از اهرمهای دشمنان طبقه کارگر جهت متلاشی کردن و درهم شکستن جنبش صنفی سیاسی کارگران اهرم تفرقه و چنددستی است . " هسته های مخفی " بایست با ایجاد توطئه های تفرقه افکنانه رژیم ، مدیریت و عوامل او ، امر هبستگی کارگری را تداوم بخشد . تنها در صورت تلفیق درست کار عملی و مخفی است که ادامه کاری تشکل های کارگری ممکن می گردد . تنها در این صورت است که تشکل های واقعا کارگری قادرند با بگیرند و در جریان مبارزه کارگران نقش روز افزون بایستند .

بیاد مجاهد نستوه آیت الله طالقانی

درگذشت آیت الله سید محمود طالقانی، در روز ۱۹ شهریور ۱۳۵۸، مردم انقلابی ما را دچار تأسیر و تأسف عمیقی کرد...

بخش اعظم زندگانی آیت الله طالقانی در مبارزه با رژیم دیکتاتوری شاه گذشت...

آزادیخواهانه داشت، او بارها تأکید کرد که مردم قبل از هر چیز به آزادی نیاز دارند...

مراهبری مذهبی، داعیه حکومت برای

خودمان نداریم و نمی‌خواهیم حاکم باشیم، انقلابی است که از توده و همه مردم و همه قشرها آغاز شد...

آیت الله طالقانی امیرالایم آمریکا را دشمن اصلی مردم میهن ما می‌دانست و معتقد بود که مردم ما دشمنی واحد دارند...

آیت الله طالقانی دریکی از آخرین سخنرانی‌های خود بر خطری واقعی که جامعه را تهدید می‌کرد...

آیت الله طالقانی در فکر حفظ انقلاب بود، تومبه‌های وحدت طلبان این روحانی واقع بین...

خط امام خمینی و خط مردم

نزد شورای نگهبان و "تجار محترم" خود را از آن گونه سوابق "چپ‌روانه" می‌راند...

یکی از راه‌های پیاده شدن منظور امام این است که دولت آری را که در اختیار دارد...

بخران بنیادین حکومت آیت الله خمینی و بنیاد همه بحرانهای آن همانا تفادین حکومت با خواستها و آرمانهای توده‌های میلیونی...

انتقامجویی کور ضد انقلاب در افغانستان

آوارگان به میهن، نابودی قطعی خود را چشم می‌بینند، فدائیان ناگزیر، مذبحگاه و حقیرانه، در تلاشی شکستهای خود...

تجارب همه انقلابیها، نشان میدهد که ضد انقلاب شکست خورده، تا مدتی پس از شکست همچنان ها روجنون آسا، به تلاشهای تلافی‌جویانه...

در بمب‌گذاری فرودگاه کابل، جنایت اخیر باندهای ضد انقلاب افغانی، تأثیر و خشم مردم افغانستان و همه نیروهای ترقیخواه را...

اسلانی پدیدآورده، با رشتاسند، آنها کمان دارند که می‌توانند شکست انقلاب بهمن و مسئولین شکست آنرا ارتوده هایشان سازند...

مردم وقتی به‌خاستند و انقلاب را به پیروزی رساندند و برابری سلطنتی را به جمهوری‌های دادند، آماجها و آرزوهای شخصی را به خیال می‌کردند...

مردم در پی همین آماجها از خمینی در برابر شاه پشتیبانی کردند، مردم وعده‌های خمینی را باقی کردند...

اما دیگر مدتهاست که مردم در آینه زندگی خویش، و در آینه میهن خویش فاجعه را دیده‌اند...

مسئولیت اصلی شکست انقلاب بهمن بر عهده کیست؟ مردم می‌دانند که انقلاب بهمن بزرگترین پشتوانه مردمی را داشت...

بایکاهایی هم که رهبران جمهوری اسلامی در شهرهای مشهد، قم، اصفهان و... برای آموزش این باندها دایر ساخته‌اند...

زیران جمهوری اسلامی، فعالیتهای ضد انقلابی خود علیه انقلاب و مردم افغانستان را زیر فریادهای دفاع از "مجاهدین اسلامی افغانستان" پوشیده می‌دارند...

خود را بعنوان عاملین بلاواسطه امیرالایم و ارتجاع پنهان سازند، باز دیده‌های منظم مقامات طراز اول کشورهای امپریالیستی از بایکاهای ضد انقلابیون در پاکستان، تملیحات مدرن، سلاحهای شیمیایی، کمکهای مالی...

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید

روز جهانی صلح و پیشنهاد های اتحاد شوروی بقیه از صفحه ۱

موشکهای هسته ای میان برد آمریکا در خاک کشورهای آلمان غربی، انگلستان و ایالتها مستقر شده اند. دولت ریگان نیز هزینهای فوق العاده سنگینی برای تسلیحات نظامی امضا می داده است و برای تهیه موشکهای ام ای کس، زیر دریایی های اتمی جدید، سلاح لیزر و بمب افکن های "استلین" بی وقفه تلاش می ورزد و از امکان جنگ "محدود" و حتی بلند مدت هسته ای صحبت به میان می آورد. مقامات دولت آمریکا مدتهاست که برنامه تهیه و تولید سلاحهای اتمی جهت نظامی کردن فضای کیهانی را پیش می برند. بلندگوهای تبلیغاتی آمریکا بهشماره هجده هزینهای را تبلیغ می کنند و همواره با آن، سوسیالیسم و کمونیسم را در مقابل ارتباط جمعی و بمنزله تجسم نیروهای شیطان تصویر می کنند و وقیحا نه با نودی فیزیکی سوسیالیسم و در درجه اول اتحاد شوروی را بعنوان هدف خود اعلام می نمایند.

موشکهای انگلستان و فرانسه، تمام موشکهای اتمی را منهدم میکند. (ارسال سال ۱۳۴۲)

چرتنگو دهبیرگل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، پیشنهاد کرد که کشورهای دارنده سلاح هسته ای، در مسابقات با یکدیگر، موازین زیر را مراعات کنند:

- جلوگیری از جنگ هسته ای راه هدف عمده سیاست خارجی خود بشمار آورند.
- از تبلیغ جنگ هسته ای بهر شکل و نوع آن، خواه جهانی و خواه منطقه ای امتناع ورزند.
- تعهد بسیارند که در بکار بردن سلاح هسته ای پیشدستی نکنند.
- در هیچ شرایطی، علیه کشورهای کهنه سلاح هسته ای ندارند و این اصل کهنه را می آنها وجود ندارد. سلاح هسته ای بکار برند، موقعیت کنونی مناطق فائقه سلاح هسته ای را محترم بشمارند و ایجاد این قبیل مناطق را در سراسر جهان ترویج و ترغیب ننمایند.
- از اذاعه سلاح هسته ای امتناع نموده، این سلاحه و با کنترل آنها هیچ شکلی در اختیار دیگری قرار ندهند. در سرزمین ها می کشه اینک این سلاحها وجود ندارد، آنها مستقر نسازند. مسابقه تسلیحاتی را به عرصه های دیگر و از جمله به فضای کیهانی نگشایند.
- بر پایه اصل امنیت یکسان، گام به گام در جهت دسترسی به کاهش تسلیحات تا مرحله نابودی کامل آنها، از هر قبیل که هست، کوشش بعمل آورند.

اعتصاب کارگران شرکت ساسان در روز دوم مردادماه مورد هجوم ارگانهای سرکوب ارتجاع حاکم قرار می گیرد، در پی این فعالین سازمان طی اطلاعیه های که وسیعاً در منطقه پخش می شود، به تاریخ پنجم مردادماه این جنایت ارتجاع را افشا می کنند.

اقدام فدائیان خلق در جریان مبارزات کارگران کارخانه کاتاداداری، نمونه قابل تأکیدی از ابتکار پیشرو طبقه کارگر سردر انعکاس بموقع حرکات کارگری است این تجربه رفقای ما باید سرمشق سایر فدائیان خلق، جهت حضور فعال در میان کارگران، و اکنش بموقع و مشخص نسبت به مسائل آنها و انعکاس مبارزات و مطالبات آنها قرار گیرد.

در زیر اعلامیه فعالین سازمان در رابطه با مبارزه کارگران شرکت ساسان، بعنوان یک نمونه موثر کار انقلابی به چاپ می رسد.

سرکوب خونین کارگران مبارز کارخانه ساسان با ردهم پیروانه از چهره حاکمیت کارگرتیز جمهوری اسلامی بر می آید.

هم میهنان زحمتکش! در حالیکه حکومت جمهوری اسلامی راه را برای زرادنوری سرمایه داران و فئودالها بازمی کند. در حالیکه تجار بزرگ بازار به همت حامیان حکومتی خود، خون مردم زحمتکش را می مکند. در حالیکه جنگ، این فریب خورن آشام، جان کارگران و زحمتکشان و جوانان آنها را نشانه می گیرد. در حالیکه گرانی برای مردم غیر قابل تحمل گشته و چون دشته به سینه زحمتکشان فرو می رود. در حالیکه بیگاری و اخراج حکم سرکوب برای زحمتکشان را پیدا کرده است. در حالیکه بیایمال کردن حقوق فردی و اجتماعی امر عادی روزمره حاکمیت گشته، با زورم تلخی دارند تا با زور سرنیزه و نیرنگ حقوق کارگران و زحمتکشان را بیایمال کند. حکومت بجای پاسخگویی به ابتدایی ترین خواسته های کارگران و زحمتکشان با کشتار و دستگیری و اخراج و تلافی و تعزیر به آنها پاسخ می گوید. برای حکومت جز اینهم راهی نیست. با بیایمال طرفدار سرمایه داران و فئودالها با شادیا حاکم مستمعان، با بیایشتابان دست به سوی امپریالیزم و سرمایه داران و تجار بزرگ بازار دراز کند، با بازوان مردم شریف و مبارز رادارزه مبارزه با امپریالیزم و حامیان آن بشمارد.

دیگر هیچک از مردم مبارز و شریف به این سخن ربا کارانه و بوج حکومت که گویا می تواند هم طرفدار سرمایه داران بزرگ بود و هم طرفدار کارگران و زحمتکشان، باور ندارند. مردم عینه می بینند در حالیکه از سرمایه داران بیسزورگ و فئودالهای فراری دعوت به میهن می شود (بعنوان دعوت به چپا ول مردم) در همان حال کارگران و زحمتکشان مبارز، این ستوهای واقعی انقلاب، به گلوه بسته شده و به بند کشیده می شوند.

هم میهنان زحمتکش! به دنبال مبارزه کارگران شرکت ساسان بخاطر اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل و بی پاسخ ماندن این خواسته از طرف مدیریت، کارگران ساسان در روز سه شنبه ۶۳/۵/۲ بعنوان اعتراض دست به اعتصاب می زنند تا بدین وسیله صدای حق طلبانه خود را به گوش مسئولین حکومتی برسانند. به امید اینکه شاید مسئولین کوشی برای شنیدن داشته باشند و به این خواسته آنها پاسخ مثبت دهند. اما حکومت به مانند رفتار وحشیانه خود در مورد اعتراض زحمتکشان افسریه و کارگران دخانیات، این بار هم بجای پاسخگویی به این ابتدایی ترین خواسته کارگران آنها را به رگبار می بندند که با کمال تاسف در این حمله جانومردانه تعدادی از کارگران مبارز کشته و زخمی می شوند و تعدادی هم به بند کشیده می شوند.

کارگران و زحمتکشان مبارز! امروز طبقه تمام نیروهای انقلابی و کارگران و زحمتکشان شریف و مبارز ایران است تا ضمن حمایت یکپارچه خود از خواسته های کارگران ساسان، یک صد سرکوب خونین کارگران را افشا و محکوم کنند.

درد و بر کارگران مبارز شرکت ساسان پیروز باد! اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکودگی آمریکا ۶۳/۵/۵

این پیشنهادها و سایر ابتکارهای اتحاد شوروی از جانب مجامع بین المللی که خواهان حفظ صلح جهانی هستند، وسیعاً مورد استقبال قرار گرفته است. ولی امپریالیسم جهانی و بیش از همه امپریالیسم آمریکا در تنها این پیشنهادها را بی پاسخ می گذارند، بلکه بی وقفه در جهت تهیه نقشه های جدید تسلیحاتی گام بر میدارند. با این وجود مردم دنیا فاجعه جنگ دوم جهانی را تجربه کرده اند و امروز با تمام وجود برای مهار جنگ هسته ای نبرد می کنند. آنان به نیروی خود برای خنثی کردن تلاشهای جنگ افروزان آمریکا و کشورهای ناتو ایمان دارند و با برپایی مراسم اول سینا سیر (دهم شهریور) بعنوان روز جهانی صلح امید به آینده بدون خطر جنگ را در دلها زنده نگه میدارند.

انعکاس وسیع مبارزه کارگران شرکت ساسان بقیه از صفحه ۱

و اعتصاب مشابه مواجه است و از هماهنگ شدن حرکات کارگران و همکاری آنها با هم شدیداً وحشت دارد. رژیم از آگاهی و آشنایی کارگران با مشکلات و مسائل هم و درس آموزی آنها از تجربیات مبارزاتی یکدیگر در هراس است. سرکوب اعتراض کارگران توسط جلادان اوپسن و کمیته ها هم روزه تکرار می شود. ارتجاع تلاش می کند تا هر اعتراض کارگری را هر چه سریعتر با توسل به تهدید، اخراج، دستگیری کارگران بیشتر و مبارزه و کشت و کشتار کارگران خاموش سازد و مانع از رسیدن صدای اعتراض آنان به یکدیگر شود.

حکام جمهوری اسلامی که به آرمانهای کارگران و زحمتکشان میهن ما خیانت کرده اند و تا مین و تحکیم منافع کلان سرمایه داران و بسزرگ مالکان را در پیش گرفته اند، بیش از پیش با خشم و نفرت زحمتکشان مواجه میشوند. رژیم در صدد است تا با اعدای وحشیانه، شکنجه و زندان نیروهای انقلابی و میهن پرست قریباً د رسای کارگران و زحمتکشان را خاموش نماید. ارتجاع می کوشد تا با تحمیل اختناق و استبداد قرون وسطایی کارگران را به تبعیت از سرمایه داران و ادار سازد. اما علیرغم همه ایس جنایات روز بروز بردا منته اعتراضات کارگران افزوده میشود و مبارزات آنها شدت بیشتری می یابد.

وظیفه همه ی نیروهای انقلابی است که جنایات رژیم در سرکوب و به خون کشیدن مبارزات کارگران را افشا سازند و تلاش های ضد انقلابی آنها برای جلوگیری از انعکاس اخبار مبارزات کارگران در محیط های کارگری و کارخانجات گوناگون خنثی سازند. انقلابیون باید بهر وسیله ممکن، کارگران را از مبارزات همزمان شان در سایر کارخانه ها آگاه سازند. پیشرو انقلابی در شرایط حساس کنونی باید با حضور فعال در میان کارگران و توده های زحمتکش نسبت به مبارزات، خواسته ها و مطالبات آنان و اکنش مشخص، سریع و بموقع از خود نشان دهد و سازماندهی و هدایت حرکات آنها را بعهده گیرد.

بیشکها تهدید سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم جهانی و به ویژه امپریالیسم آمریکا، مبارزه علیه جنگ نیروهای متروقی و صلح طلب جهان اهمیت باارهم بیشتری پیدا کرده است. امروز می با یست نبرد علیه جنگ افروزان آمریکا، علیه تلف شدن امکانات بشری در راه تولید سلاحهای کشتن و و تدارک فاجعه هسته ای راه همان تهدید گبرند. این وظیفه خطیر هر روز بیشتر برای ملل جهان روشن می شود. دامنه جنبش ضد جنگ که تمام قاره ها را فرا گرفته، برای امپریالیسم آمریکا جنبش ضد جنگ ابعاد بیسابقه ای گت کرده است. دهها میلیون نفر، در جریان هفته مبارزه در راه صلح و سایر راهیما کتیا و نظا هرات ضد جنگ شرکت کردند. اغلب شهرهای کشورهای اروپا کتن در چند ماهه اخیر، شاهد نظا هرات گسترده صلح بودند. ۷۲ درصد از اهالی جمهوری فدرال آلمان، استقرار موشکهای آمریکا می را رد کردند. ۷۵ درصد اهالی انگلستان و ۷۹ درصد مردم بلژیک مخالف استقرار موشکهای آمریکا می در کشور خود هستند. در مبارزه در راه حفظ صلح و امنیت، کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی بعنوان تکیه گاه عمده صلح، نقش پر مسئولیت

و تاریخی بعهده دارند. جامعه کشورهای سوسیالیستی برای قطع مسابقه تسلیحاتی و استقرار صلح پایدار به تلاشهای گسترده ای دست می زند. اتحاد شوروی به همین منظور تا کنون پیشنهاددهای سازنده ای ارائه داده است که حاضر اهمیت تاریخی هستند. پذیرش پیشنهادها و ابتکارهای اتحاد شوروی میتواند راهگشای حل معضلات بین المللی، کاهش تسلیحات کنونی، دفع خطر جنگ هسته ای و قطع مسابقه تسلیحاتی باشد. برخی از پیشنهاددهای مهم اتحاد شوروی در سالهای ۸۲-۱۹۸۳ چنین است:

فوری (سال ۱۹۸۳)

اتحاد شوروی از طرف کشورهای سوسیالیستی در مذاکرات وین پیشنهادها زیر را ارائه داد:

- کاهش نیروهای ناتو و پییمان و روشو، تا حدی برابری دشته جمعی ۹۵۰ هزار نفر برای هر طرف.
- خروج ۲۵ هزار نفر از افراد نظامی شوروی با تسلیحات آنها از اروپا در ظرف یکسال در صورتیکه آمریکا ۱۳ هزار نفر از نیروهای نظامی خود را از اروپا خارج سازد.
- ثابت نگه داشتن سطح نیروهای نظامی و تسلیحات تمام شرکت کنندگان مستقیم در مذاکرات، پس از کاهش مقدما نسبی نیروهای اتحاد شوروی و آمریکا بر اساس میزان تقریبی متقابل.

زوشن (سال ۱۹۸۳)

اتحاد شوروی با پشتیبانی مجدداً از پیشنهاد فنلاند دایر به ایجاد منطقه آزاد از سلاح هسته ای در شمال اروپا، آمادگی خود را برای بحث و مذاکره با کشورهای ذینفع در باره پذیرش اعلام و وضع آزاد از سلاحهای هسته ای برای آبهای دریای بالتیک، اعلام داشت.

پوری (سال ۱۹۸۳)

اتحاد شوروی در ملاقات با گروهی از سنا تورهای آمریکا اعلام نمود که اتحاد شوروی آماده است در باره نابود ساختن سیستم های ضد ماهواره ای موجود و دفعن کردن ایجاد سیستم های جدید توافق نماید. علاوه بر این اتحاد شوروی تعهد میکند تا زمانی که سایر کشورها و از جمله آمریکا از فرستادن سلاح ضد ماهواره به فضای کیهان خودداری کنند، در فرستادن سلاح ضد ماهواره به فضای کیهان پیشدستی ننماید.

در همان موقع پوری آندرویف در پاسخ به سوالات پراودا اعلام داشت که در صورت دست یافتن به توافق مورد قبول طرفین، از جمله امتناع آمریکا از استقرار موشکهای تازه در اروپا، اتحاد شوروی بهنگام کاهش موشکهای با نبرد متوسط خود در بخش اروپای کشور، تا سطحی برابر تعداد

شهریور

تشکیل حزب کارگر اتیوپی

برگزاری کنکره موسان " حزب کارگزار اتیوپی " در نیمه شهریورماه در آدنیس آبابا، بیروزی بزرگ کارگران و زحمتکشان و دستاوردگرانیهای انقلاب اتیوپی تحت رهبری منگیستو هایلما ماریام با نام می باشد. کنکره ضمن تصویب برنامه و اساسنامه حزب کارگزار اتیوپی، برنامه دهساله پیشرفت اقتصادی - اجتماعی کشور را مورد بررسی و تأیید قرار داد. مردم اتیوپی در روزهای برگزاری کنکره، طی میتینگهای عظیم و پرشوری که در سراسر کشور برپا کردند، ضمن بزرگداشت دهمین سالگرد پیروزی انقلاب، پشتیبانی خود را از تصمیمات کنکره و ایجاد حزب کارگزار اتیوپی ابراز داشتند. زحمتکشان طی این میتینگها اعلام داشتند که به مردمان از دستاوردهای انقلاب و ایجاد پایه های جامعه سوسیالیستی همواره وفادار خواهند بود.

این کنکره همچنانکه منگیستوهایلما ماریام رهبران انقلاب اتیوپی در سخنرانی افتتاحیه آن بیان داشت " برای آینده اتیوپی اهمیت تاریخی دارد و حزب کارگزار اتیوپی مبارزه در راه ایجاد پایه های جامعه سوسیالیستی را در کشور رهبری خواهد کرد. وی تأکید کرد که در مرحله کنونی، ایجاد پایه های مادی و فنی برای جامعه سوسیالیستی، با افزایش سطح رفاه و فرهنگ زحمتکشان اساسی ترین هدف حزب می باشد. در این رابطه برنامه دهساله توسعه اقتصادی - اجتماعی اساسی ترین ترقی بیش از پیش کشور خواهد بود. " رهبران انقلاب اتیوپی خاطر نشان ساخت که " اقتصاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با عزم راسخ به حمایت از دستاوردهای مردم اتیوپی برخاسته و موافقتنامه های دولتی و همکاری منعقد کرده اند. کشرهای سوسیالیستی، ثمرات روزافزونی در نتیجه رفته های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اتیوپی بیارمی آورد. " هایلما ماریام با عنوان کردن مواضع " حزب کارگر " در عرصه مناسبات بین المللی، سیاست ما را جویانه امپریالیستی را که تمام جهان را در معرض خطر مرگ قرار داده است، اکتفا محکوم ساخت و از پیشنها دات سازنده اتحاد شوروی در جهت حفظ صلح در جهان حمایت کرد.

برگزاری موفقیت آمیز و تشکیل حزب کارگر اتیوپی، جسم کامل پیروزیهای بزرگ و افتخار آفرینی است که " انقلاب ملی - دمکراتیک اتیوپی " تحت رهبری منگیستو هایلما ماریام، صدر " شورای نظامی حکومت موقت " به دست آورده است. مردم اتیوپی در مبارزه با دستاوردهای جامعه چا مانده از نفوذ الیزم و استعمار و مقابل به سلاطین و طبقاتی های رنگارنگ امپریالیزم و ضد انقلاب تحت رهبری نیروهای انقلابی پیرو سوسیالیزم علمی به موفقیتهای درخشانی دست یافته اند. مروری به این دستاوردها نشان می دهد که کارگران و زحمتکشان اتیوپی، پشتوانه و تجارب گرانقدری را برای پیروزیهای بزرگتر آینده تحت رهبری حزب کارگر اتیوپی دارا می باشند.

انقلاب فداطلبی، فداشودالی و ضد امپریالیستی ۱۹۷۴ در اتیوپی که یکی از فقیرترین و عقبسب مانده ترین کشورهای جهان و تحت سلطه حکومت خودکامه فئودالی و سطره امپریالیستی بود، ه ۱۰ سال گذشته در گرونیهای عمیقی را در طی عرصه های زندگی مردم پدید آورده است. اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی به لغو تمامی مناسبات پوسیده و قوانین جا برانه رژیم فئودالی فئودالی انجام مید. دهقانان که با تشکیل در " اتحادیه دهقانان اتیوپی " متشکل از ۷۰۰۰ اتحادیه دهقانی و ده هزار انجمنهای روستایی، برای اولین بار در تاریخ این کشور، سرنوشت خویش را در اختیار گرفته اند، نقش جدی در اصلاحات و تحولات انقلابی کشور برعهده گرفتند. انقلاب ارضی اتیوپی به سرنگونی کامل بزرگ مالکی و از طریق ایجاد بخش دولتی در کشاورزی و گسترش جنبش تعاونی، راه رشد غیر سرمایه داری را در روستاهای اتیوپی کفر ما کرد.

اتیوپی در سالهای بعد از انقلاب، شاهد رشد چشمگیری و توسعه روزافزون صنایع ملی بوده است. این صنایع تنها در ۵ سال گذشته توانسته اند ۲۶ هزار نیروی کار را بر کار گیرند. همگام با رشد و توسعه شالوده صنعتی کشور، زندگی کارگران نیز بهبود یافته است. قانون جدید کار ترمین کننده حقوق اساسی کارگران بوده و مجموعه اقدامات رفاهی انجام شده موجب بالارفتن سطح زندگی کارگران گردیده است. مردم اتیوپی بسنجه

موفقیتهای سترگی در زمینه آموزش و فرهنگ دست یافته اند. در رژیم پیشین ۹۹۷ کودکان از سوادآموزی محروم بوده و ۷٪ مردم از سواد خواندن و نوشتن برخوردار نبودند. بیکار همه جانبه با پیسوادانی و جهل که جایزه سال ۱۹۸۰ یونسکو را نیز نصیب اتیوپی کرد، تعداد با سوادان کشور به رقمی بیش از ۶۶۰ رسانده است.

انقلاب اتیوپی در حل مساله ملی که ضمن پیچیدگی مربوط به ساختار کشورهای آفریقای، با سرنوشت بیش از ۵۰ ملیت ساکن این سرزمین پیوندی تنگاتنگ داشت، بر اساس " برنامه ملی - دمکراتیک " و اعطای حق خودمختاری به ملتها، کامیابیهای ارزنده ای به دست آورده است.

" مساله ارتیره " که در اثر توطئه های وسیع امپریالیزم و ارتجاع منطقه، به میدان فعالیت ضد انقلابی و صحنه سازی علیه انقلاب اتیوپی تبدیل شد، در نتیجه پیشرفتهای اقتصادی، فرهنگی و سیاستهای درست ملی حل می شود. امروز علیرغم ادا ماین توطئه و کمکهای همه جانبه امپریالیزم و ارتجاع به شورشیان، بسیاری از جدایی طلبان به آغوش انقلاب از می گردند. درهم شکستن قدرت مند تجا و سوما لی در سال ۱۹۷۷ که بمنظور جدا کردن ناحیه اوگادن " از خاک اتیوپی صورت گرفته بود، و بخشی کردن دیگر توطئه های عوا مسلم امپریالیستی و مافوقستبا از پیروزیهای مهم مردم اتیوپی است.

رهبری انقلاب، به سازماندهی توده های خلق همواره توجهی جدی مبذول داشته است. اعتقاد عمیق و تلاش بیگبر " شورای نظامی حکومت موقت " تحت رهبری منگیستوهایلما ماریام در برپایی حزب انقلابی پیشاهنگ زحمتکشان، صفحه ای درخشان در تاریخ مبارزه انقلابی خلق اتیوپی است. و خواهد بود، از کمسیون بنیادگذاری حزب زحمتکشان اتیوپی به ریاست منگیستوهایلما ماریام که بدین منظور تشکیل گردید با تلاش بی ارج موفق گردید تا مایزمینه های لازم جهت تأمین حزب پیروزمند و پیشرو مارکسیست - لنینیست افرادم آورد. این امر در شرایط عقب ماندگی ذهنی توده ها، ضعف ساخت طبقاتی جامعه و ضعف ویژه طبقه کارگر در کشوری که علل تاریخی عقب ماندگیهای بسیار، حتی جزئی پیروزیهای هم نداشت، دستاورد تجربه ای بسیار غنی و ارزشمند است. کمسیون مربوطه فعالیت خستگی ناپذیر خود موفق به دستیابی به وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و نیز حل مسایل سازمانی مربوط به تشکیل حزب شد. کمسیون با شرفیاب مارکسیسم - لنینیسم در بین مردم و تحکیم وحدت توده های زحمتکش و سازمانهای مختلف آن از قبیل زنان، جوانان، اتحادیه کارگران روستایی و... پایه های استقرار حزب پیشاهنگ زحمتکشان را در میان توده ها استوار ساخت.

اکنون تشکیل " حزب کارگزار اتیوپی " نویدبخش پیروزیهای روزافزون و درخشان آینده انقلاب و مردم اتیوپی است. در برنامه دهساله توسعه اقتصادی - اجتماعی حزب آنچنان که منگیستو هایلما ماریام در جریان کنکره بیان داشت، یکی اقدامات در جهت تحکیم صنایع کشور پیش بینی شده است و کشاورزی که در آن حرکتیای تعاونی نقش روزافزونی پیدا می کند، با سرعت بیشتری توسعه خواهند یافت.

دستاورد های پراچ انقلاب اتیوپی و تجربه موفقیت آمیز پیرویه تکوین و تشکیل حزب کارگر اتیوپی، به تنها اهمیت تاریخی برای مردم اتیوپی دارد، بلکه تأثیری عمیق در جنبش انقلابی خلقهای آفریقا و بهره گیری از آن در دیگر کشورهای این قاره را نیز به بخش معاصر خواهد داشت. تجربه انقلاب اتیوپی با لیدر نشان داده چگونه رهبری پیروان سوسیالیزم علمی - با داشتن درکی علمی و انقلابی از درگرونیهای اساسی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در راه تأمین استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی، و بهره گیری از تمامی امکانات و نیروهای مردمی کشور و جبهه انقلاب جهانی - قادر است بشرفت پیگیری بدون بازگشت انقلاب را تسلا استقرار جامعه سوسیالیستی، پیروزمندانه بسنجه انجام برساند.

دستور العملی دیگر برای کتاب سوزان

دوره روزپیش، " شورا عالی قضایی " رژیم، " دستور العمل " جدیدی تصویب کرد که مطابق آن: " با ناشرین و اشاعه دهندگان کتب ضاله و آنچه موجب توطئه علیه حکومت اسلامی باشد، طبق ماده ۱۰۴ قانون تعزیرات اسلامی " با " شدت هر چه تمامتر " برخورد کند. بدینگونه رژیم، دستور دیگری برای کتاب سوزان صادر کرد و با شان را مجبور نمود تا بقایای کتب و نوشته های علمی، ادبی، هنری و فلسفی پیشرو و مردمی را نابود سازند. چنین تلاشیهای پیش از هر چیز خاطر " کتاب سوزان فاشیستهای هیتلری را زنده می کند. او با نشان هیتلری هم گامی می گردانند از این راه می توانند

جلوی آگاهی مردم و نفوذ فرهنگ انقلابی را بگیرند و راه را برای " اشاعه " لافلافت ضد مردمی و ضد بشری خود بازنهند.

تلاش برای نابودی آزادیهای سیاسی و خشکاندن ریشه فرهنگ ملی و مردمی و انقلابی یکی از بارزترین ویژگیهای رهبری جمهوری اسلامی است. آنها با در طول سالهای پس از انقلاب گام به گام، بسنجه نابودی دستاوردهای انقلاب، در زمینه آزادیهای سیاسی مشغول شدند و هر بار شیوه های خشن تر و دندمانه تری را علیه نیروهای مردمی و اندیشه های مردمی و انقلابی بکار گرفتند. او با شانی که از مراکز گوناگون دستوری گیرند، پی در پی، به کتابفروشیها و آموزش می برند. کتابها را می سوزانند و گارت می کنند. حکومت، مسئولان کتابفروشیها را دستگیر و به جرم فروش کتب مترقی زندانی می کند. مولفین را به سبها لیب می اندازد. ناشران آثار علمی، ادبی و خلقی را مجبور می سازد که یا فقط آثار نوشته های دینی و مورد تأیید حکومت را به چاپ رسانند یا سوسات خود را تعطیل کنند.

جمهوری اسلامی اندکی پس از انقلاب، مجددا دستگاه سانسور رژیم گذشته را برقرار ساخت و بسنجه همه بنگاههای اختیاراتی دستور داد که بدون اجازه سانسورچی ها هیچ کتابی را به چاپ نرسانند. طی این مدت، بسیاری از آثار کنجینه ادبی، فرهنگی و علمی کشور ما را به تاراج رفته است. کتابهای گرانبهای که در مراکز اسناد و کتابخانه های بزرگ و قدیمی نگهداری می شد با سزاق رژیم سازگار نبود، اغلب نابود شده اند. شاگردهای ادبی شعرائ کلاسیک ایران نظیر رودکی، خیام، فردوسی، نظامی و حافظ مورد غضب قرار گرفته و چاپ و انتشار آنها با مانع روسو شده است.

حکام، ضد فرهنگ جمهوری اسلامی که بازبان و ادبیات و فرهنگ مردم ما به ستیز برخاسته اند، تلاش می کنند تا با بکارگیری لغات ثقیل و متریک غیر فارسی، اصالت زبان و ادبیات فنی ما را مخدوش سازند. زبان کج و معوج و اختراع خود را که بر پایه تخریب زبان فارسی سر م بنسدی شده، اشاعه دهند.

هر قسمت از اسناد تاریخ مین ما، هر اندیشه و نظم و نشری که با افکار قرون وسطی ارتجاع انطباق نداشته، مورد تال و قرار گرفته است. هر اثر نوشته ای که مردم را به گونه ای مفاخر یا ذمیت آنان تصویر توصیف کرده، جمع آوری شده است. بسیاری از موزه ها را برای تخریب مزارات و فرهنگ مردم برجیده اند و یا تخریب و غنارت کرده اند. آثار باستانی فراوانی را از بین برده یا رها کرده اند تا نابود شود، حتی گوردانه بخشهای از آرمگاه فردوسی، شاعر گرانقدر کشور ما را تخریب نموده اند. اقدامات رژیم در تلاش فرهنگ ادب فارسی و جلوگیری از رشد و شکوفایی آن، فاجعه ای ملی است که هر ایرانی میهن پرست را متاثر می سازد.

هدف اصلی رژیم ارتعیم اخیر، نیز جلوگیری از گسترش اندیشه انقلابی و پیشرو در میان توده ها است. رژیم می داند که اشاعه افکار اندیشه های انقلابی و مترقی و ارتقا هر چه بیشتر سطح آگاهی و فرهنگ مردم، آنان را بیش از پیش به مقابله و مبارزه با حکومت خواهد کشاند و روز بروز حکومت را برای تعدا بیشتر از مردم به زیر سؤال خواهد کشید.

اما جمهوری اسلامی علیرغم همه این فجايع، قادر نخواهد بود جلوی مبارزات رشدا بنده مردم میهن ما را سد کند. هیچیک از رژیمهای ارتجاعی نه با کتاب سوزان، نه با شکنجه و اعدام انقلابیان و مبارزین و نه با استقرار شیاه ترین استبدادها نتوانسته اند نمی توانند جلوی آگاهی و آزاداندیشی را بگیرند و مردم را از مبارزه علیه ظلم و محرومیت بازدارند.

انتقامجویی کور ضد انقلاب در افغانستان

علیرغم جنگ اعلام نشده آمریکا، ارتجاع منطقه و برتری جویان چینی و جنایات بیشمار ضد انقلابیون مزدور آنان، انقلاب افغانستان پیروز شده است. پیش می رود. مردم افغانستان برای حفظ و پیشبرد دستاوردهای انقلاب هر روز با نیروی بیشتری ضد انقلاب را عقب رانده و مناطق مختلف کشور را از لوث وجودشان پاک می کنند.

ضد انقلاب که زمانی توانسته بود بسنجه اقدامات جنایت کارانه و فریبکارانه اش عده ای از اهالی زحمتکش و ستم دیده مناطق سی از افغانستان را آواره و در بند و حساب خود از حکومت مردمی افغانستان جدا نماید، امروز در برابر پیشرفت انقلاب، بیوستن هر چه بیشتر توده ها به حکومت انقلابی سازگست بقیه در صفحه ۸

از میان گزارشها

کارخانه دهانبات ، هفت ماه پس از اعتبار

اکنون که بیش از هفت ماه از اعتبار خونیسن کارگران دهانبات می گذرد همچنان تعداد زیادی از کارگران دستگیر شده ، زندانی هستند . کارگران زندانی راه هفته های متضادی با چشم های بسته در راهروها و سلولهای زندان نگه داشته بودند . تعداد زیادی از آنها را تا چندین ماه در سلولهای انفرادی زندانی کرده بودند ، برخی از آنان را بنحوی وحشیانه شکنجه کردند تا اعتراف نمایند که توده ای بسا فدایی هستند . چند تن از کارگران که اخیراً آزاد شده اند به نقل از کارگران زندانی می گفتند : " الان بیشتر از همیشه معتقد هستیم که نباید از مبارزه با این رژیم دست برداشت "

اکثریت کارگرانی که به دنبال اعتصاب بار کارخانه اخراج شدند ، تاکنون نتوانستند که ردگیری پیدا کنند . کارگران اخراجی مدت هفت ماه است که با شرایط دشواری برای تامین زندگی خود روبرو شده اند . بیروز هستند . تعدادی از آنها با بیش از ۱۵ سال سابقه کار در کارخانه با ن بساط مقرری پهن کرده . و به فروشنده می مشغول شدند .

در این کارخانه انجمن اسلامی که در جریان اعتصاب مانند جاسوس و خبرچین حکومت عمل کرده بود ، بیش از همیشه مورد نفرت کارگران قرار دارد . نفرت کارگران به شکل متخلف بروزی کند ، آنها چندی پیش یک عضو خبرچین انجمن اسلامی را غافلگیر کرده . و به شدت تنگ می زند . در هر ای از او کشتی کارگران ، بسیاری از اعضای انجمن می کوشند خود را از این کارخانه به جایی دیگر منتقل سازند و یا همگامی خود را با انجمن معلق نمایند . به همین خاطر در چند ماه اخیر اکثریت قاطع اتحاد انجمن اسلامی دهانبات به شکل رکشیده و تعداد اعضا آن کمتر از یک پنجم زمان اعتصاب شده است .

یاسداری که اعتبار با سرکوب کرده بودند نیز نتوانستند در برابر شدت نفرت کارگران بی تفاوت بمانند . آنها که پس از اعتبار بطور دائمی در کارخانه مستقر شدند در اینجا کوشیدند خود را از آزار کارگران بیرون بکشند . حتی تعدادی از آنها از کار در رسیاه استعفا دادند ، برای ترغیب آنها به ادامه حضور در کارخانه یک معمم برای سخنرانی به میان آنها فرستاده شد . در برابر پرس و جوی این معمم ، پاسداران پاسخ دادند : " دیگر کسی است . از این وضعیت خسته شدیم " . حکومت به ناچار آنها را از آنجا بیرون کشید و اینک کارخانه بدون کار در محافظ شده است .

پس از این همه مدت که از اعتصاب می گذرد ، هنوز از انجام وعده هایی که مسئولین داده بودند ، خبری نیست . بهانه مسئولین فقدان منابع مالی برای تامین مطالبات کارگران است . این در حالی است که مدیران دولتی به نحوی لجام گسیخته به غارت دارایی های کارخانه مشغول هستند ، همگس چندی پیش اختلاس برخی از مسئولین این کارخانه چنان بی پروا صورت گرفت که به ناچار بسیاری سرپوش نهادن بر آن یکی از مدیران و یکی از مسئولین انجمن اسلامی (که در این اختلاس سهیم بودند) از کارکنان رگذاشته شدند .

سندجرم ! دفاع از حقوق کارگران

در کارخانه گلوگری یکی از کارمندان را به خاطر سابق مبارزاتی اخراج نمودند . از آنجا که هیچ بهانه ای برای اخراج او وجود نداشت ، او را منتسب به هواداری از حزب توده ایران کردند . بسیاری انتیبات این اتهام ، نواری از صحبت های ایمنی کارمندان سخنران سندارایه نمودند که او طوسی آن از مطالبات برحق کارگران دفاع کرده بود و با این سند ! دیگر جایی برای دفاع و انکار اتهام وجود نداشت ، لذا کارمندان و کارگران از اخراج کردند . قرار است بزودی این کارخانه به بخش خصوصی بازگردانده شود . کارگران می گویند این اخراج واقعات مشابه از جمله موری است که برای تامین شرایط مورد نظر سرمایه داران ، توسط دولت صورت می پذیرد .

حذف مرمضی سالنسه

در کارخانه آلومینیوم سازی واقع در اراک در ماه مرداد از طرف مدیریت بخشنامه ای صادر شد که برطبق آن در سال جاری کارگران حق استفاده از مرمضی سالنسه را نخواهند داشت و باید بدون وقفه به کار ادامه دهند . آنها ضمن تهیه یک طومار اعتراضی مخالفت خود را با این تصمیم خودسرانه و خلاف قانون اعلام داشتند ، به دنبال آن مدیر عامل ناچار شد اعلام کند که بزودی در این تصمیم تجدینظر خواهد شد .

تعطیلات اجباری بدون حقوق

در کارخانه ریستنگی و بانفدگی "فرا ایران" در ماه مرداد از سوی مدیریت اعلام شد که تعطیلات سالانه امسال یک ماه خواهد بود و با ۱۷ روز آن هیچگونه حقوقی به کارگران تعلق نخواهد گرفت ! ۳۰۰۰ کارگر این کارخانه به این تصمیم غیرقانونی خودسرانه اعتراض کردند ، آنها ضمن اعلام آمادگی برای کار اعلام داشتند حاضر نیستند تاوان ناتوانی و بی کفایتی مدیریت و مسئولیتشان را در تامین مواد اولیه مورد نیاز بپردازند . به دنبال اعتراض جدی کارگران از سوی مدیریت ، کارخانه ، برای توضیح و توجیه این تصمیم ، جلسه ای با شرکت کارگران تشکیل شد . اما از آنجا که مدیران در صدد بدبا لفاظی و فریبکاری ، کارگران را به پذیرش این تصمیم وادارند ، کارگران جلسه را بهم زدند . کارگران مدیران وادار به خروج از محل جلسه کردند . اما روز بعد ، بی توجه به مخالفت کارگران در دستور مدیر عامل کارخانه تعطیلات شد و ما شنبه های شنبه برای آوردن کارگران به سرکار ، فرستاده نشدند ، با وجود این کارگران با وسایل مختلف خود را به کارخانه رساندند ، ولی با دهرای بسته و پاسداران مسلح روبرو شدند . پاسداران ، کارگران را متفرق کرده ، و به این ترتیب کارخانه تعطیل گردید . بیش از اینک دوره یک ماهه تعطیلات به پایان برسد ، مدیر عامل اعلام دیگری مالدرو طی آن اعلام داشت که دوره تعطیلات به ۲ ماه افزایش یافته است . وضعیت حقوقی کارگران در طول این مدت اذافی نیز مبهم مانده است .

اعتراض وکم کاری کارگران چوکسا

در کارخانه چوکسا واقع در رضوان شهر کارگران بعلت عدم پرداخت ۲ ماه حقوق از سوی مدیریت دولتی دست به اعتراض فردی و گروهی می زنند و مدیریت را تهدید به خصن می کنند ، در طی این مدت کارگران سیاست کم کاری را در پیش می گیرند . مدیریت که در مقابل فشار کارگران هراسان می شود از جهت الاسلام ، احسان بخش (امام جمعه رشت) دعوت می کند که برای جلوگیری از خصن احتمالی در کارخانه سخنرانی کند . ایشان هم به بهانه جنگ و مشکلات دیگر حکومت سعی در توجیه مشکلات کارگران می کند ، کارگران که فریبکاری آنها را می بینند و تشخیص می دهند که کاری برایشان نخواهد کرد با همهمه و سرودهای اعتراضی او را قطع می کنند و جهت الاسلام سخنان خود را نیمه کاره رها کرده و کارخانه را ترک می کنند ، و مبارزه کارگران برای گرفتن حقوقشان ادامه می یابد .

مبارزات زنان زحمتکش

زنان کارگرو زحمتکش دوشادوش مردان در نقض زنجیران تا مین حقوق خود مبارزه می کنند ، نقش زنان زحمتکش بویژه در مواردی از قبیل تامین آب و برق و بهداشت و مقابله با ناسا انبساطی توزیع با محتاج اولیه چشمگیر است . در شهرک ولی عصر تهران ، زنان محل برای این مسایل در طول به ماه چهار ریسار حرکت دسته جمعی انجام داده اند در تادشستر زنان زحمتکش علاوه بر مبارزات پیگیری که برای تامین آب صورت دادند ، اقدام به تاسیس انجمن زنان در مدت کوتاهی آنها نیز این پس اقدامات خود را بطور متشکل دنبال کنند .

در کارخانجات نیز زنان کارگرمش شرکت فعال در مبارزه مشترک کارگران ، برای تامین حقوق ویژه خود نیز مبارزه می کنند ، آنها در برابر تبعیضات و اجافاتی که آشکار علیه زنان اعمال می شود ، ایستادگی می کنند ، در واحد تولیدی جاکو در تهران از سوی مسئولین کلاسی آموزشی تشکیل گردید که شرکت زنان در آن منع شده بود . اما کارکنان زن موفق می شوند با اعتراض جدی این تبعیض را از میان بردارند . در کارخانه الیز ، انجمن اسلامی سعی داشت با تهدید ، زنان کارگرو را به حضور در نماز جماعت بکشاند ، اما زنان بی توجه به تهدیدات حاضر به شرکت اجباری در نماز جماعت نشدند .

تظا هرات دربند در بیستم

در ماه مرداد در بندر بیلیم آب و برق که مدت ۵ روزی در پی قطع شد بود با توجه به گرمای شدید این بندر جنوبی ، تحمل این وضعیت برای مردم غیر ممکن بود ، به این خاطر مردم معترض ، دسته جمعی در خیابانها راهپیمایی کردند . مقامات دولتی طبق معمول ارگانهای سرکوب را به مقابله با مردم فرستادند که پیامدان زود خورد شدیدی بود که میان مردم و پاسداران در گرفت ، پاسداران تنها پس از تیراندازی ممتد نتوانستند مجدداً اوضاع را تحت کنترل خود در آورند و مردم را متفرق کنند .

تخریب سرپناه زحمتکشان در قلمه حسن خان

شهرک قدس "قلمه حسن خان سابق" در اراک بوسیله جاده قدیم کرج در حومه شهر با واقع است ، این شهرک که بعد از انقلاب جمعیت آن به هزار نفر رسیده است ، عمدتاً از کارگران کارخانه های اطراف کرج هستند . زمینهای شهرک قدس ، پس از انقلاب توسط مالکین به زحمتکشان منطقه فروخته شده و به میزان زیادی توسط ساکنین خانه سازی شده است . در طی چند ماه اخیر ما مورین حکومتی بویژه ما مورین اوقاف به ساکنین مراجعه کرده و مطرح کرده اند که زمینهای این شهرک عمدتاً متعلق به اوقاف است و ساکنین موظف هستند که به اوقاف برای زمین اجاره بپردازند ، مردم محل که پول زمین را قبلاً به مالکین پرداخته اند به این ادعای ما مورین اعتراض می کنند و می گویند آن زمان که ما مسئول زمین را پرداخته ایم شما کجا بودید ولی گوش ما مورین به این حرفها بدهکار نیست .

در سوم شهریور ماه ما مورین شهرداری با آوردن لودر تعدادی از خانه ها را تخریب می کند ، و وسایل زندگی زحمتکشان محل را از سرپناه شان بیرون می ریزند که با مقاومت جدی مردم مواجه می شوند و مردم محل علیه حکومت شغرا می دهند ، بسیج محل ناچار از تیراندازی کتک می خورد که ما مورین اعضای ما مردم درگیر می شوند و بیش از ۱۰ نفر از جمله ۳ زن را زاده می کنند . مردم به این اقدام خودسرانه و سرکوبگرانه حکومت به شدت اعتراض می کنند ، اینک مبارزه زحمتکشان قلمه حسن خان علیه این بیدادگری ادامه دارد و پیغول ما مورین رژیم قلمه حسن خان آشوب زده است !

شورا های محلات را منحل می کنند

در شهرک اووان واقع در جاده ساوه شورای محل از منافع اهالی دفاع کرده و تسلیم خواسته های آنها نشده است ، این شخص با مراجعه به مقامات اعضا شورا را توده ای نامید و حکم انحلال شورا را دریافت کرد ، به این ترتیب شورای محلی شهرک اووان منحل شد . او طی همان حکم ما موریت یافت تا شخصاً اعضای تازه ای برای شورا منصوب نماید .

در سنگ سازی سعیدیه نیز همین ماجرا تکرار شد ، در آنجا یک پاسدار ساکن محل ، با اتهامات مشابه دستور انحلال شورا را صادر کرد ، و سپس با صدور اطلاعیه ای اهالی محل را دعوت نمود تا برای ایجاد شورای مورد نظر ایشان تشکیل جلسه دهند که بسا واکنش مردم مواجه شد .

کانهیدی انجمن اسلامی و رای کارگران

در کارخانه جیت ممتاز ، مانند بسیاری دیگر از واحدهای تولیدی ، مبارزه کارگران برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از مدت ها قبل جریان دارد . در پی مبارزات پیگیر و مداوم کارگران این کارخانه مدیریت کارخانه اخیراً پذیرفته است که طرح طبقه بندی مشاغل در این واحد تولیدی اجرا شود .

بدین منظور تصمیم گرفتند که کارگران نمایندگانی خود را برای شرکت در کمیته اجرای طرح طبقه بندی مشاغل کارخانه انتخاب و معرفی نمایند .

در جریان انتخاب نماینده ، مثل همیشه انجمن اسلامی با بوق و کرنا کاندیدا معرفی کرد طبعاً این کاندیداها از حمایت مسئولین نیز برخوردار بودند . در مقابل کارگران بجای رای دادن به کاندیدای انجمن اسلامی به دو تن از نمایندگان شورا ق منحل شده کارخانه که مورد حمایت کارگران بودند رای دادند و نماینده انجمن اسلامی فقط ۶۰ رای می آورد ، در حالیکه دو نماینده قبلی شورا ۱۶۰۰ و ۱۴۰۰ رای آوردند ، بدین ترتیب کارگران بار دیگر حکم افراد قطعی انجمن اسلامی را صادر کردند .

زنده باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

هموطن!

سزای مرتجع جمهوری اسلامی علیه صلح ، علیه استقلال میهن و علیه آزادی شما اقدام می کنند ، آنها از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان حمایت می کنند ، آنها به انقلاب به مردم زحمتکش پشت کرده و راه غنات در پیش گرفته اند .

برای گسترش مبارزه علیه این حکومت ارتجاعی ، برای نجات میهن و انقلاب ، برای رسیدن به صلح ، استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی

از فدائیان خلق ایران حمایت کنید!

جنايات جديد حكومت در كردستان

رژيم جمهوري اسلامي، طی ماههای اخیر، یسورش و حشانه به شهرها و روستاهای كردستان را شست با زهم بیشتری داد. رژیم در عملیات مداوم مناطق مها باد، پیرانشهر، سردشت، بانه و مریوان را وسیعاً مورد حمله قرار داد و دهها تن دیگر از زنان و مردان و کودکان را بیدفاع قربانی عملیات انتقامی و سرکوبگرانه نیروهای ارتش و سپاه شدند. خانه های بسیاری ویران شد و روستاها و مزارع از زمین رفتند.

حزب دموکرات كردستان ایران، اعلام داشت که رژیم در شهرها و روستاهای كردستان اقدام به اجرای طرح مهاجرت اجباری کرده است. تحت فرماندهی "قزاقگاه حمزه" در اجرای مقاصد فاش، روستای گاشی زریسن و دهکده دیگری در قاضیون مرکز كردستان را ککه مردم آن حاضر به ترک خانه و کاشانه خود نشدند، به آتش کشیدند.

حکام جمهوری اسلامي که سیاست سرکوبگرانه آنها طی ۶ سال گذشته در كردستان با شکست مواجه گردیده، به هرجنايتی برای تحقق نقشه های شويستی و ارتجاعي خود، دست می زنند. رهبران رژیم، اقدامات سرکوبگرانه خود را با فاشیتهای حاکم بر ترکیه هماهنگ ساختند. همزمان با یسورش جمهوری اسلامي به كردستان ایران، حکومت ژنرالهای آمریکایی ترکیه نیز، حمله به مناطق كردنشین ترکیه را آغاز نمود، که در واقع حلقه محاصره نیروهای میهن پرست و مبارز كردستان را تنگتر کرد.

رژيم جمهوري اسلامي در تعقیب جنایات اخیر خود به دنبال شکست متفضانه در فرونشاندن مبارزات دلیرانه خلق کرد، در نظر دارد سیاست ارتجاعي و ضدبشری کوچاندن اجباری روستاییان نوار مرزی روی آورد. سرکوبگران جمهوری اسلامي به روستاییان دهبا روستای مناطق استراتژیست سردشت اعلام داشتند که باید روستاها را تخلیه کنند، آنها تصمیم دارند در بخشهای "آلان"، "سوسنا به تی"، "گورک" از منطقه سردشت بیش از ده هزار روستاییان زحمتکش را در قلمر جمع آوری محمول و آمار فصل زمستان آواره کنند و بویانکه حتی ممری برای معاش و یاجایی برای زندگی آنان در نظر گرفته باشد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) توطئه جدید و ضدبشری رژیم را علیه زحمتکشان مرز نشین کرده شدت محکوم می کنند، و اهرمه سازمانهای مترقی و مردم سرزمین می خواهد که به هر شکل ممکن علیه این سیاست پیدا دگریهای ضدبشری اعتراض کنند. در همین ارتباط دفتر سیاسی حزب دموکرات كردستان ایران طی فراخوانی به تاریخ ۳۰/۴/۶۳ از تمامی مردم ایران و همه نیروهای بقردوست جهان خواسته است که علیه جنایات اعتراض کنند و نگذارند که اقدام فداانسانی رژیم باعث بی خانمانی و آوارگی هزاران هموطن زحمتکش گردد. بعلواه حزب دمکرات كردستان ایران در ارتجیح اعتبار سیاسی راد اعتراض علیه این پیدا دگری و قبحانه سازمان داد که مردمیشتیای بسیاری از سازمانهای مشرقی و همچنین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در ارتجیح قرار گرفت.

در دنامارک نیز از جنبه گروهی سازمانهای مشرقی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دنامارک دعوتنامه برای شرکت در حرکت اعتراضی علیه جنایات رژیم در كردستان صادر شد.

ما اطمینان داریم که ارتجاع حاکم بسان همه مستبدین دیگر از سیاست سرکوب خلق کسرد، و اشغال نظامی كردستان طرفی نخواهد بست، چنین سیاستهای و رشکتهای توسط رژیم شاه خائن، بارها به کار گرفته شده و شکست خورده است. تنها جماعات کنونی و سیاست تخلیه روستاها نیز اگرچه خاک كردستان را با زهم بیشتری به خون خواهد کشید اما سرانجامی جز شکست نخواهد داشت. خلق کرد همچنان مصمانه به مبارزه برحق خود ادامه خواهد داد.

با کاکه مکاتبه کنید!

رفقا و دوستان عزیز! نشریه کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امکان ارتباط همه خوانندگان خود را با نشریه فراهم کرده است. همه مبارزین انقلابی می توانند اخبار و اطلاعات و همچنین پیشنهادها و نظرات خود را به آدرس زیر برای نشریه کار ارسال کنند.

Pf. 10
1091 WIEN
AUSTRIA

اطریش:

شکنجه و کشتار انقلابيون خودکشی رژیم است

حکومت جمهوری اسلامي، پس از دو سال تلاش مداوم، همچنان در مدد آنست تا نقشه شکست خورده خود را علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با انتقامجویی دهشتناک و طسروح توطئه های جدید عملی سازد. پیگردهای رژیم برای درهم شکستن سازمان و متلاشی کردن تشکیلات آن، تلاش برای از یاد آوردن رفقای اسیر در زیر شکنجه های قرون وسطا و کوشش های تنگنشین برای مخفی ساختن جنایاتی که علیه فدائیان خلق انجام میدهد، با شدت فزاینده ادامه دارد. مسؤلان و ماموران رژیم، به بسیاری از خانواده های رفقای اسیر که برای کسب اطلاع از سرنوشت فرزندان خود رجوع میکنند، و قبحانه دروغ میگویند، با اطلاق مورد سرنوشت فرزندان نشان سکوت میکنند و یا بکلی منکسر بازداشت اسیران میشوند. در بسیاری موارد دستگان رفقای اسیر را با زداشت کرده اند و بویا اینکه با توهمین و آزار بسیار تهدید میکنند که در صورت رجوع مجدد جای آنان هم در زندان خواهد بود. در موارد زیادی، ما مورین رژیم به دستگان زندانیان اطلاع میدهند که فرزندان ش شهید شده، و حتی گاهی محل دفن را نیز مشخص می کنند اما نه جسد را تحویل میدهند و نه مکتس جسد را به خانواده نشان میدهند. چه برای دستگان رفقای ما و چه برای خانواده های دیگر انقلابيون اسیر، اغلب پیش میاید که پس از برگزاری مراسم یادبود بی میبرند رژیم برای شکنجه آنان زندان دروغ گفته و فرزندان آنها، همچنان زنده و زیر شکنجه هستند.

یکسون، یکسال از ناپدید شدن رفیق انوشیروان لطیفی میگذرد، هنوز از سرنوشت رفیق هیچگونه اطلاعی در دست نیست. رفیق انوشیروان که مدتها زیر پیگرد ماموران بود، در جریان یک تعقیب طولانی محاصره شد و رابطه اش با سازمان قطع گردید. از آن زمان تا کنون، رژیم در این باره کاملاً سکوت کرده است. در همین ماههای اخیر، در چهار مورد مشخص رژیم به دستگان چهار تن از رفقای اسیر، که از مسؤلین سازمان و از زندانیان سرشناس رژیم شاه بودند، با واسطه خبر داد که عزیزان آنها شهید شده اند، اما رژیم از تحویل جسد رفقا و یا از تأکید رسمی خبر امتناع کرده است. خانواده های این رفقا برای عزیزان نشان مراسم برگزار کردند، علیرغم این آنها اکنون بلاذلیل بسیار اخبار را قبال اتکا نمیدانند. لذل، سرنوشت این رفقا بکلی نامعلوم است.

چنین توطئه ها و اعمال ذذیلانه با تلاطمی ننگین رژیم در شکنجه گاهها تکمیل میشود. برخی از مسؤلین سازمان که حتی نزدیک به سه سال از اسارت آنها میگذرد، همچنان زیر شکنجه هستند. آخرین بار یکی (چندماه پیش) رفیق رضی الدین تابان را دیدند، در بیمارستان بود، پهلوی و بازوی رفیق را شکسته بودند و نیمه ای بدن وی باند پیچی شده بود. رفیق علیرضا نوبی را پس از دو سال همچنان شکنجه میکنند و از او انتقام میکشند. اخبار رسیده حاکی از آن است که رفیق زحیم اسداللهی پس از انتقال از اهواز به تهران، زیر فشارهای شدیدتری قرار گرفته است.

تعداد زیادی از مسؤلین سازمان در خوزستان و از زندانیان رژیم شاه، پس از شکنجه های جسمی و روانی شدید در زندان اهواز، چند ماه پیش به اوین منتقل شدند تا زیر شکنجه های بازهم بیشتری قرار گیرند. همینطور تعداد زیادی از رفقای اسیر را از مشهد و تبریز و خرم آباد به اوین منتقل کردند. ما موران رژیم که میداندند نقشه هایمان برای درهم شکستن سازمان شکست خورده است، لذا مذبحخانه انتقامجویی روی آورده اند.

جمهوری اسلامي کسان را این چنین زیر شکنجه میکشد که با تمام وجود و در همه زندگانی مبارزاتی خویش پیشرو خلق و فدايي خلق بوده اند و جز آرزوی آزادی و بهرزی طبقه کارگر و رنجبران جز آرزوی استقلال میهن، آزادی مردم، در دل نداشته اند. در زندانهای جمهوری اسلامي کسان شکنجه و شهید میشوند که در سخت ترین شرایط، با ایثار همتی خویش علیه رژیم شاه زمیندو نوید انقلاب و پیروزی دادند. کسان که غریب سرود و غرش مسلسل آنها در سنگرهای انقلاب و قیام بهمین، در ژرفای قلب رنجبران بیباکانه

آدمی با سر افراشته باید یزید
و سر افراشته باید میرد
و به دشمن سر تسلیم نیازد در پیش
والهد در ره آزادی خلق
همه هستی خویش



گرامی باد یاد شهدای مهرماه، فدائیان خلق:

مهرنوش ابراهیمی	فرشید	فرجاد
غلامعباس بختورد	عبدالوهاب	سلفیان
منوچهر بهایی پور	چنگیز	قبادی
حمیدرضا پریدار	سادل	قربانی
هوشنگ تریه گل	همایون	کتیرایی
محمدعلی سالمی	ناصر	کریمی
حمید شبانی	محمدرضا	گلشن
پرویز شریعتی	ناصر	مدنی
فرزین شریفی	سید	نوزادی
بهرام طاهرزاده		

پرهرو باد راهشان، جاودان بادشان

همچنان ضمین انداز است رژیم انقلابيون را شکنجه میدهد تا مگر نمایهای و قبحانه تلو یزویی بردهای رسوایی ها و شکستهای خود بکشد و علیه اجزاء و سازمانهای انقلابی، مردم فریبی کند. این خونبهای که از چنگال جلادان رژیم سر از برشده برده نفرت بر همه نمایها و نیرنگبهای ا کشیده است. رژیم فقط میتواند رسوایی خود بنمایش بگذارد، محاکمه انقلابيون در پیدادگاهها، جمهوری اسلامي، محاکمه خود رژیم است و کشتار انقلابيون خودکشی آن است. شهیدان خلق: یوسف کشی زاده، نریمسانا توماج، سعید سلطانپور، سیاک اسدبسیان و منصور اسکندری، حسین پور تبریزی و ناخند افطلی، خیابانی و سعادت، مهران شهاب الدین و نورالدین ربیعی، بهروز سلیمانی، کاکا اقبال کریم نژاد و کاکا عبدالله بهرامی، هزارا سیمای پاک و تابناک جنبش انقلابی که در زندانها و شکنجه گاهها و در برابر جوخه های اعدام رژیم جان دادند، همچنان نگاه رزمجو برکین خود را بر چشم ارتجاع دوخته اند. حکومت هر روز که بیشتر مورد نفرت و کینه توده ها و نیروهای انقلابی قرار می گیرد، جنایاتی شرمانه تری روی می آورد، شکنجه و حشانه و کشتار مخفیانه زندانیان، و زخم آزار خانواده هایی که عزیزانشان در بنددخه بسر می برند به شکردهای و قبحانه و متداوم سرکوبگران حاکم بدل شده است.

حکومتی که با چنین جنایاتی رسوا شده، به کدام چننا میت میتواند خود را "تجات دهد؟ تا ریب هزار بار ثابت کرده است راهی که با توطئه و جنایت علیه مردم و سازمانهای انقلابی آنها فرس میشود، راه دوزخ است.

پیام تبریک

رفیق منگبستو هایله ما رباب!
دبیرکل کمیته مرکزی حزب کارگر اتیوپی

بسیار خرسندم که از سوی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزاری پیرومندان کنگره موسان حزب کارگر اتیوپی و بنیان گذار حزب پیشاهنگ طبقه کارگر و توده های اتیوپی و انتخاب شخص شمارا به سمت دبیرکلی حزب کارگر صمیمانه شادباش بگویم. بیگمان حزب کارگر اتیوپی، که خودشمه پیروزی پیرومندان انقلاب اتیوپی است، با رهبری شما قادر خواهد بود کارگران و رنجبران اتیوپی را تادستی به همه آرمانهای و آلائی آنها و جامعه ای مبارزانه گونه شتم و بهرگی کشی، پیرومندان هدایتک تجربه منصرفرد انقلابيون اتیوپی با رهیم آن رفیق ارجمند، در پیشبرد انقلاب و بنیانگذاری حزب کارگر اتیوپی به غنای تجربیات جنبش انقلاب در دیگر کشورها خواهد افزود. پیروزیهای هرچه بیشتر حزب کارگر اتیوپی و شخص شما را در راه تامین منافع حیاتی زحمتکش اتیوپی، در راه صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم آرزو می کنم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دبیر اول - فرخ نگهدار

پیش بسوی جبهه متحد خلق